



CARPET PLUS

ماهنامه اینترنتی فرش دستباف

Iranian Visual carpet Magazine

"کارپت پلاس" / شماره ۵- دی ماه ۱۳۹۸

استاد محسن محسنی:

پژوهشگر فرش و قائم مقام بازنشسته شرکت سهامی فرش ایران



CARPET PLUS

بسم
الرحمن
الرحیم

ماهنامه اینترنتی فرش دستباف

Iranian Visual carpet Magazine

کارپت پلاس

مجله اینترنتی فرش دستباف ایران
سال نخست / زمستان ۹۸ / شماره ۵

سردبیر: مریم طاهری تفرشی
دبیر تحریریه/مدیر هنری: مهدیار پیرزاده
مدیر اجرایی: فرزانه مرادی
تحریریه: گروه نویسندگان
طراحی: آتلیه گروه سپنج
سازمان تبلیغات و آگهی ها: ۰۹۱۲۶۹۳۵۲۹۱

این مجله رایگان است و رایگان خواهد ماند.

لازمه ی استفاده از مطالب و تصاویر این نسخه، به هر شکل و ترتیبی منوط به اخذ مجوز از "کارپت پلاس" است و نقض آن پیگرد قانونی دارد.

همچنین هرگونه بارگذاری محتوایی این مجله بر روی اپلیکیشن های موبایل و فروش پی دی اف این مجموعه ممنوع است.

سرمقاله | مریم طاهری [۴]

تار | فتحعلی قشقایی [۶]

بود | مرحوم جعفر پاکدست [۷]

مقاله | تجلیل گذشته تا امروز [۸]

گفتگو | استاد محسن محسنی [۱۵]

آشنایی با نقوش | نقش درختی [۲۶]

معرفی | فرش شکارگاه [۲۹]

زندگی نامه | نیما یوشیج [۳۱]

گزارش | تجلیل به روایت تصویر [۳۴]

اخبار | رنگ آبی کلاسیک، رنگ سال [۴۶]

www.thecarpetplus.ir | thecarpetplus

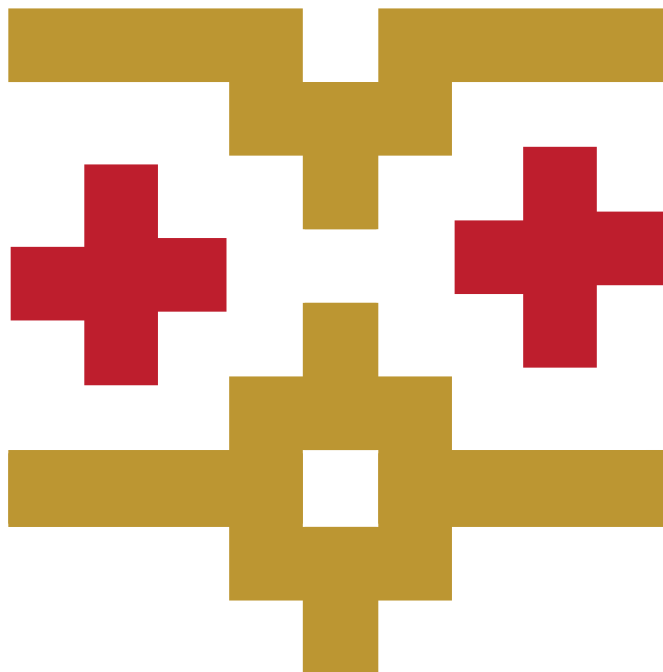




قالی بزرگی است زندگی...

هرهزارسال یک بار فرشته ها قالی جهان را درهفت آسمان می تکانند
تا گرد و خاک هزارساله اش بریزد وهرباربا خود می گویند:
این نیست قالی که انسان قرار بود ببافد
این فرش فاجعه است...
با زمینه سرخ خون...
و حاشیه های کبود معصیت ...
با طرح های گناه و نقش بر جسته های ستم...
فرشته ها گریه می کنند و قالی آدم را می تکانند
و دوباره با اندوه بر زمین پهنش می کنند.
رنگ در رنگ ... گره در گره ... نقش در نقش ...
قالی بزرگی است زندگی...
که تو می بافی و من می بافم و او می بافد
همه بافنده ایم

عرفان نظر آهاری



در روزگاری نه چندان دور توی خونه مادر بزرگ هامون نیمه پائیز ، لحاف یسانمدی روی چهار پایه‌ای چوبی انداخته می‌شد که منقلی ذغالی یا ظرفی فلزی پر از ذغال داغ در زیر آن قرار می‌دادند . کرسی مادر بزرگ با یک رو کرسی جاجیم باف بسیار زیبا تزئین شده بود و شب یلدا داد و توی اون سینی پر شده بود از ظرف های گندم برشته و کشمش ، کنجد، شاهدانه، گردو، فندق، سیب سرخ و پرتقال ، تخمه و بادام زمینی ، شیرینی های خونگی ، انار و هنداونه که ازدیدن آنها همه به ذوق می آمدند.

همه دور کرسی مادر بزرگ می نشستند ومادر بزرگ جای می ریخت و به همه تعارف می کرد و خانواده ومهمانان یا کشیدن لحاف کرسی بر روى شانه‌های خود علاوه بر گرم شدن به قصه های مادر بزرگ گوش می کردند. بعد از خوردن میوه و چای ، فال حافظ بود که حال همه رو عوض می کرد.

شب یلداهای قدیم رنگ و بوی خاصی داشت کرسی مادر بزرگ گرمای دیگری داشت شبی که در آن انار محبت دانه می شد ، شیرینی مهربانی پخش می شد و هنداونه شادمانی شکسته می شد و رنگ سرخ انار و هنداونه همه را خندان می کرد.

جشن های ایران باستان از اهمیت خاصی برخوردار بود، چرا که عقیده بر این بوده که پس از شب سیاه و سرد و بلند، خورشید متولد شده و سراسر گیتی را حرارت می بخشد، پس به شادی این روز و سپری شدن این شب طولانی و مراسم باشکوهی برپا می شد

بر این اساس آخرین شب پاییز را که درازترین شب نیز هست، شب یلدا می نامند و بخاطر سپری شدن درازترین و سیاهترین شب، جشن شادمانی برپا می کنند مادر بزرگ قصه های برادران سرما، چله بزرگ و چله کوچک و قصه ننه سرما رو می گفت ، چله بزرگه که برادر بزرگه بود از اول دی تا ۱۰ بهمن و چله کوچک که برادر کوچکتر بود از ۱۰ بهمن تا ۳۰ بود. برادر بزرگه علاوه بر سیاهی شب به قدرت و استواری مشهور بود و برادر کوچک به بسیار وحشی و نسبت به برادر بزرگتر خشن تراست به همین جهت به برادر کوچک پسر یخی هم می گفتند قصه بود و قصه و قصه ...



کرسی در عین اینکه یک وسیله گرمایی بود وسیله ای برای جمع شدن افراد خانواده و فامیل دور همدیگر و همچنین وسیله ای بود برای همفکری و هم اندیشی خانواده ها و در واقع حکم یک میز کنفرانس را داشت چرا که این وسیله بسیار ساده، در شبهای طولانی زمستان افراد خانواده را دور هم جمع می کرد. بزرگان خانواده قصه ها و مثل های پند آموزی را به افراد خانواده می گفتند و اگر معضلی گریبانگیر خانواده بود، در این شبها این مشکل مطرح و راه چاره ای نیز برای آن در نظر گرفته می شد و بدین ترتیب کرسی ایزاری جهت همفکری و وحدت به شمار می رفت.

در این شبها خانواده ها حافظ می خواندند ، شاهنامه می شفاف می کردند که که راهی برای انتقال ادبیات گذشت زمان، رسم و جشن های مربوط به شب چله دستخوش تغییراتی شده و امروزه در بعضی خانواده ها در این شب به پهن کردن سفره ای اقدام می کنند، آجیل و میوه های خاص مانند انار و هنداونه استفاده می شود، اما اصالت واقعی آن از بین رفته است . اینترنت و تیریکات و انیمیشن های رسوم این روزها را به شکلی دیگر در آورده و فرستادن عکس و تصویر انار و هنداونه بجای تبریک گفتن و خانه گرم مادر بزرگ ها و پدر بزرگ ها که چشمشان در این شب بلند به در دوخته می ماند از آنها و قصه ها و رسومات شب یلدا دور مانده ایم . با وجود امکانات حمل و نقل سریع بجای اینکه نزدیک یکدیگر بنشینیم به حس و حال خوب هم فکر کنیم و یاد

و خاطره های شیرین گذشته را برای یکدیگر بازگو کنیم با پدیده ای به نام تلفن همراه و یا شبکه های اجتماعی و مجازی سرو به نام تلن همراه و یا شبکه های اجتماعی و مجازی سرو این آئین را پلاس بداریم تا مبدا این جشن بزرگ پاری را به فراموشی بسپاریم . یادمان باشد که زندگی آنقدر کوتاه است که همین یک دقیقه بیشتر را برای با هم بودن جشن می گیریم .

یلدا مبارک

سخن نخست مریم طاهری تفرشی



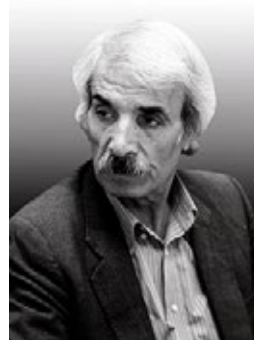


۵

این پنجمین شماره "کارپت پلاس" است که مقابل دیدگان شما پهن می شود. تار و پود و رج به رج این مجله با شما و برای شما شکل می گیرد.

ما را از نظریات ارزشمندتان بی نصیب نگذارید.

همچنین بخش بازرگانی "کارپت پلاس" آماده پذیرش آگهی های تجاری و تبلیغاتی شما خواهد بود. به زودی طرح های توسعه ی تجاری و مارکتینگ کارپت پلاس از طریق مجله، شبکه های اجتماعی و وبسایت مجموعه به اطلاع شما عزیزان خواهد رسید



مرحوم جعفر پاکدست سردرودی

#پود



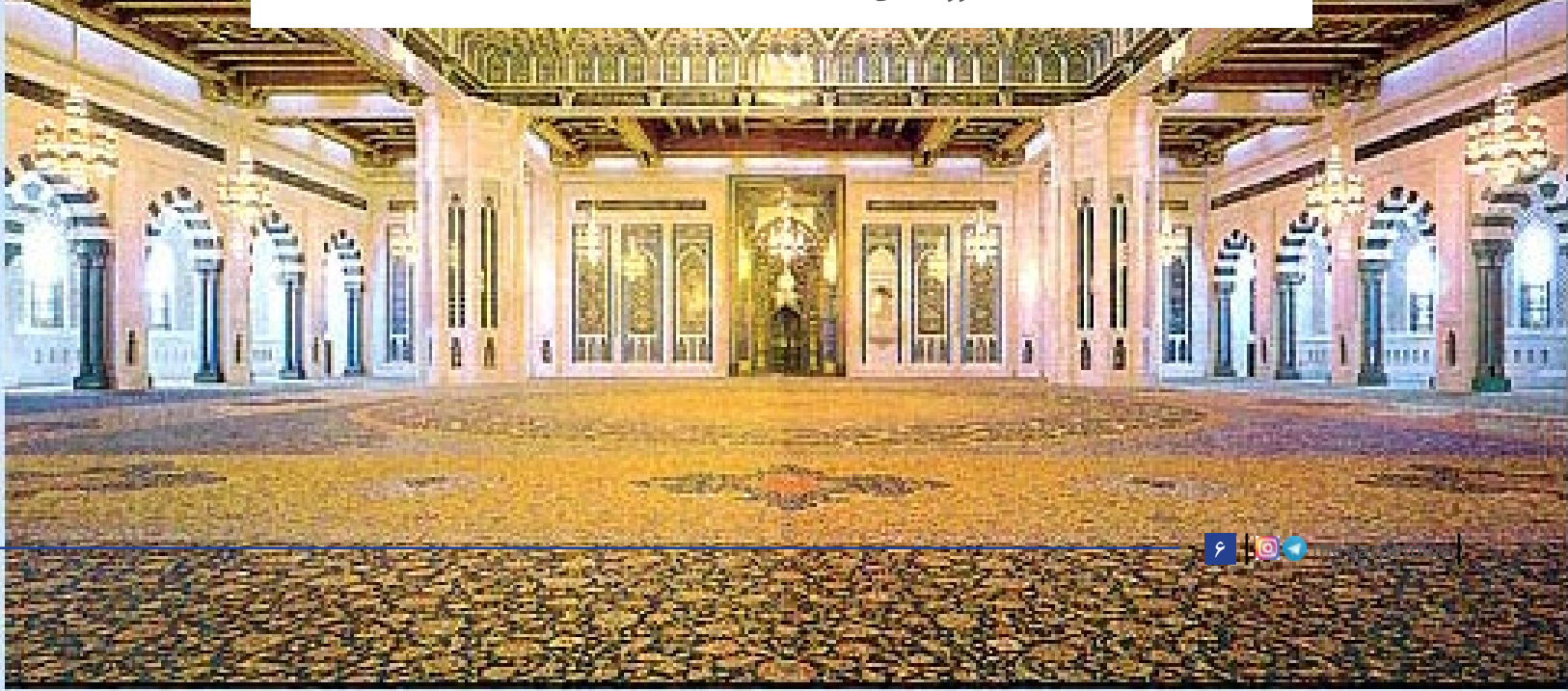
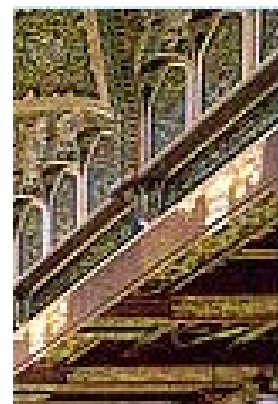
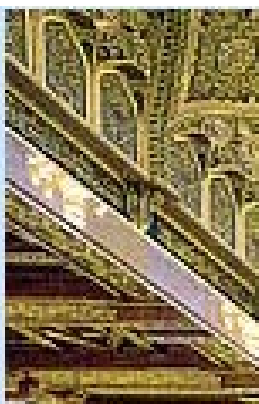
استاد جعفر پاکدست در سال ۱۳۱۰ در شهرستان "سردرود" از توابع تبریز به دنیا آمدند. و در ۲۴ تیر ماه ۱۳۹۴ در سن ۸۴ سالگی فوت کردند. ایشان از سال ۱۳۴۲ تا ۱۳۶۶ در شرکت سهامی فرش ایران به عنوان طراح و مدیر طراحی مشغول بکار بودند که طرح های زیبای او در شرکت فرش بر روی فرش های زیادی بافته شده اند.

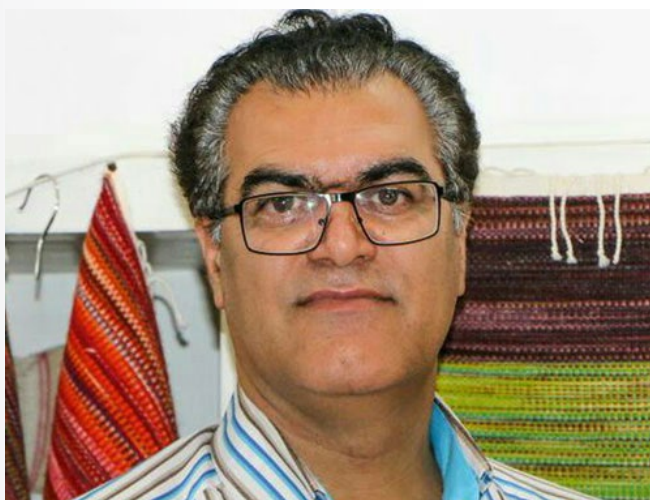
پس از بازنشستگی تدریس در دانشگاه های مختلف کشور از جمله دانشگاه الزهراء، هنر، سوره و فرهنگسرای هنر تهران به عنوان استادیار به تدریس عملی طراحی قالی پرداختند..

ایشان در سال ۱۳۸۱ به دکترای افتخاری هنر نائل آمد و از دست ریاست جمهوری لوح تقدیر و نشان هنر دریافت کرد.

در کارنامه هنری خود تألیف و ترسیم کتاب ارزشمند "شیوه طراحی فرش" را داشته اند و علاوه بر آن می توان طراحی فرش های مجلس شورای ملی، فرش های سفارشی وزارت امور خارجه جهت سفارتخانه های ایران، فرش های آستان قدس رضوی، فرش های سفارشی کشور عربستان سعودی و بازسازی طرح فرش شیخ صفی و طراحی ترنج فرش پنج هزار متری پادشاه عمان و ... اشاره کرد

روحشان شاد





استاد فتحعلی قشقایی فر

بافت نمد منحصر و زیبای استاد قشقایی



استاد فتحعلی قشقایی فر، متولد سال ۱۳۴۸ در عشایر قشقایی (دولت قرین سمیرم اصفهان) هستند.

دیپلم نگارگری را در هنرستان هنرهای زیبای اصفهان گرفتند و فوق دیپلم هنری را هم در رشته صنایع دستی اخذ کردند.

آقای قشقایی در زمینه آموزش در دانشگاه ها، راهنمایی و مشاوره دانشجویان در زمینه صنایع دستی، کارگاه های آموزشی، داوری در مسابقات و دوره های هنری، طرح های مطالعاتی فرش و قالی و تالیف کتاب و مقاله فعالیت های فراوانی داشته اند.

در حال حاضر عضو هیئت علمی گروه فرش دستباف دانشگاه کاشان هستند. سابقه فعالیت هنری ایشان از سال ۱۳۶۶ آغاز شده و تا کنون به این فعالیت ادامه داده اند.

ایشان کارشناس داوری سطح B یونسکو را هم دارا می باشند و در سال ۲۰۰۹ نشان مرغوبیت صنایع دستی در رشته بافت را از یونسکو دریافت کردند، همچنین در سال ۱۳۹۳ نشان ملی مرغوبیت صنایع دستی در رشته های بافت و نمد را نیز دریافت داشتند. و با داشتن پروانه تولید کارگاهی سازمان صنایع دستی در رشته گلیم و بافت به آموزش هنرجویان خارج از دانشگاه نیز می پردازند.

عمرشان دراز باد

#تار

A photograph of a courtyard in front of a brick house. In the foreground, there is a small circular fountain with blue tiles around its edge. Several potted plants with red and pink flowers are arranged around the fountain. In the background, a wooden door with white curtains is visible, flanked by brick pillars. A wooden handrail leads up to the door. The courtyard is paved with stone tiles.

ما بچه های دهه ۴۰، ۵۰ خاطرات کوچک ساده اما عمیقی داریم که هنوز هم وقتی به یاد می آوریم دلمان غنچ می رود حتی وقتی برای بچه های نسل جدید از خاطراتمان حرف می زنیم مثل قصه های سیندرلا برایشان شیرین، جالب و بسیار رویایی تلقی می شود. خاطرات دورهمی ها، عروسی ها و مراسم عزا از آن دسته هستند تا جایی که یادم می آید وقتی بچه بودم جشن های عروسی و تولد و.... معمولا در خانه ها و محله های خودمان برگزار می شد

گذشته تا ام _____ روز
مریم طاهری تفرشی



لااقل برای ما که تقریباً در آن زمان در منطقه مرکز شهر یعنی میدان شاهپور و منطقه امیریه زندگی می کردیم اینطور بود . وقتی عروسی یا جشنی برگزار می شد، خانه ها آراسته می شد و حتی کوچه ها چراغانی می شد و تمامی اهل محل متوجه می شدند که کدام خانواده عروس و کدام خانواده داماد است و حتی اگر دعوت به عروسی نمی شدند که البته معمولاً همه همسایه ها دعوت بودند اما اگر هم دعوت نبودند حس شادی در محل موج می زد و همه یک جورایی در عروسی شرکت داشتند آنهم با هلهله و شادی که در محل

برگزار می شد. خوبی این مراسم در این بود که کسانی که دعوت بودند بدون هیچ تکلفی با لباسهای ساده و کادوهای در حد توان در میهمانی شرکت می کردند. بعضی ها که خانه های کوچک ترو یا مذهبی بودند از خانه های همسایه استفاده می کردند و خانم ها را در یک حیاط و آقایان هم در یک حیاط دیگر بودند و حتی بچه ها هم از این جشن منتثنی نبودند آنها هم در هر دو خانه در حال بازی و بدو بدو بودند و گاهی اگر بچه ها زیادت می شدند می رفتند و در حیاط منزل دیگری بازی می کردند تا بزرگترها براحتی مراسمشان را برگزار کنند.

نه اینکه بگویم هیچوقت اینگونه مراسم در سالن ها انجام نمی شد. بله یاد می آید که بعضی از عروسی هایی که دعوت می شدیم در سالن بود اما شاید اون متعلق به خانواده هایی بود که تقریباً بقول معروف کمی چیکان پیکان بودند. مجالسی که با یک کارت خیلی خوشگل دعوت می شدیم با ذوق به آن نگاه می کردیم اما در داخل همان کارتها معمولاً یک کارت کوچک بود که آدرس سالن بود که بنظرمان خیلی دور می آمد و زیر همان آدرس نوشته شده بود که از پذیرفتن اطفال معذوریم. که به این وسیله تمام شادی ما از بین می رفت چون می دانستیم که به آن عروسی

نمی رویم. انگار صاحب مجلس طوری دعوت می کرد که یعنی نیاید! لااقل که در خانه ما اینطور حاکم بود که پدر و مادرم اگر قرار بود که بچه هایشان نروند هیچ جا نمی رفتند بقول مادرم عروسی و شادی مال بچه هاست چطور بچه ها را دعوت کردن ها به نظر من اینطور دعوت کردن که صاحب مجلس حاکی از این بود که خواست کسانی را بطور ضمنی می نمودند، در آن مجلس که خیلی راضی نبودند برای رفع تکلیف شرکت نکنند. دعوتی برای زمان اینقدر بود. هم دوری راه که آن زمان اینقدر ماشین و آژانس نبود وهم نبردن کودکان باعث می شد که خانواده ها از





خیر عروسی و اینگونه مجالس بگذرند . این رسم کم کم آنقدر همگانی شد که امروزه اگر به مراسمی دعوت رسمی نشویم خبر دار نمی شویم که چه کسی عروسی کرده و یا چه کسی فوت کرده البته به همت شبکه های مجازی یک جوری خبردار می شویم که آن هم چون همگانی هست احساس نمی کنی که کسی دعوت کرده یا نه.....

اینها را گفتم که بگویم برای این شماره مجله از چندی پیش با آقای محسنی گفتگویی داشتیم که البته مستلزم زمان زیادی شد چون نمیخواستیم که مزاحمتی برای استراحت ایشان بوجود آوریم. چندین بار به خانه ایشان رفتیم و بالاخره با جلسات خودمانی و صحبت های معمولی توانستیم از یکی از فداکاران مردان فرش ایران که در کرمان و منطقه محروم اطراف آن کارگاه های متمرکز طبق استاندارد ساخت گفتگویی داشته باشیم. کسی که باعث شد بافندگان

در حدود ۶۰ سال پیش بیمه شوند و با کسی که فرش کاشان را بعنوان سمبل یک فرش شهری فارسی باف در یونسکو به عنوان میراث معنوی ثبت جهانی برسانند. و یا خانم دکتر صور اسرافیل با آن تلاش ها و زحمات شبانه روزی که در روستاها با کمبود امکانات و عدم همکاری ها توانستند کتاب های با ارزشی بنویسند که به عنوان مرجع فرش و طراحان و قالی بافان فرش برای دانشجویان و محققین یادگار مانده و یا آقای دانشگر که با تلاش ۲۰ ساله منبع ارزشمند فرهنگ نامه فرش را تهیه نمودند. متوجه

شدم که مراسم تجلیل سه تن از مفاخر فرش ایران (خانم دکتر سوراسرافیل ، آقای محسنی و آقای دانشگر) قرار است در تاریخ ۱۹ آبان برگزار شود و همین باعث شد که برای انتشار مجله دست نگه داریم تا بتوانیم یک گزارش مفصلی هم از این مراسم داشته باشیم و مجله را با شکوه این مراسم و با نام این عزیزان به افتخار برسانیم . متأسفانه تمام تصوراتمان از بین رفت . نقل جشن های عروسی که برایتان تعریف کردم بود. مراسم در سالن شماره ۱ نمایشگاه بین المللی تهران در روز یکشنبه از ساعت ۱۰ تا ۱۲ برگزاری شد!!!! زمان و مکانی که برای بازاریان و دانشجویان و استادان و معلمان هم زمان نامناسبی بود و هم اینکه بدلیل دوری راه کاملاً یک روز کاری را از دست می دادند. متأسفانه برای تجلیل از این بزرگان وقتی وارد سالن شدیم با یک سالن خالی مواجهه شدیم . تعداد کسانی که توانستند بیایند

بسیار اندک بود بعضی ها هم که اصلاً خبر نداشتند و بعد متوجه شدند بسیار متأسف شدند که هم نمی توانستند یک روز کامل را از بازار با این ترافیک رفت و آمد کنند و هم اینکه طی آن مسافت دور از درب اصلی تا سالن برای بعضی بسیار سخت بود. آنهایی که هم آمده بودند کسانی بودند که عاشقانه به مقام این پژوهشگران ارج می نهادند و یا از خانواده خود عزیزان بودند.

آیا اینگونه مراسم جایش در میان فرش ها نیست؟؟ چه اشکالی داشت در خود بازار فرش در جایی که این عزیزان روزگارشان را گذرانده بودند و خاک فرش خورده بودند و در میان تمامی دوستانشان که روزگاری برای آن پژوهش ها همراهشان بودند برگزار شود؟ و یا در محل فرهنگی فرش و صنایع دستی مثلاً دانشگاه هنر و یا فرهنگستان هنر و یا میراث فرهنگی!!!! رئیس مرکز ملی فرش حرفهای بسیار جالبی





کدام تجلیل ها بود سالی خالی جلوی خانواده های این عزیزان و انسانهای وارسته ای که جوانیشان را در این راه نهاده بودند.

با احترام و کرنش به مفاخر ارزشمند فرش

برای آینده فرش داشتند که اگر پیش آید.... ایشان فرمودند ما حتی برای این مراسم ازدولتی ها دعوت نکردیم خواستیم که این فرهیخته گان که از ملت بودند در بین خود مردم باشند و آنها از ایشان قدردانی کنند!!! آیا فرش ایران و این عزیزان در خانواده دولت جایی ندارند و آیا تلاش این عزیزان با دولتیان نبوده و تلاشی برای جهانی کردن فرش ایران نکردند?!!

چرا دولتمردان نباید دعوت شوند و از این بزرگان قدردانی کنند. این اساتید که در بین مردم و خانواده فرشی ها مورد احترام و عزیز هستند این دولتی ها هستند که نباید تلاش این عزیزان را از یاد ببرند و همیشه قدردان یاشند. نمی دانم این تجلیل از زمره



"آرتیرانی" هنر نفیس ایرانی

- شال و روسری ابریشمی نقاشی شده
- بادست (باتیک)
- کراوات های نقاشی شده
- مانتو های باتیک

WWW.ARTIRANI.COM



تبلیغات



گفتگو



استاد محسن محسنی

پژوهشگر فرش و قائم مقام بازنشسته شرکت سهامی فرش ایران

در باره شرکت سهامی فرش ایران بفرمائید.

قبل از تاسیس شرکت سهامی فرش، تولید کنندگانی شهرستانی و بازاریان بودند که تولیدات فرش را به عهده داشتند و بدلیل شکوفایی هنر فرش در دوران صفویه و قاجاریه توجه کمپانی های خارجی به کالاهای ایرانی از جمله فرش دستباف جذب شد و بازرگانان خارجی و کمپانی ها مثل زیگلر که از ترکیه وارد تبریز شدند و سپس دامنه فعالیت را از تبریز به سنندج و بیجار و همدان و سلطان آباد اراک توسعه دادند و دیگر کمپانی هند شرقی در منطقه شرق ایران در شهرهای یزد و کرمان، خراسان و بیرجند و در کرمان به عنوان دفتر مرکزی شروع به تولید و صادرات کردند.

و در سال ۱۳۱۴ به حکم رضا شاه تاسیس یک شرکت سهامی از طرف وزارتخانه صادر شد و شرکت فرش با سهم ۵۱ درصد دولتی و ۴۹ درصد خصوصی تاسیس گردید قرار بر این شد که شرکت های خارجی از این کار خلع بشوند و برای اینکه این شرکتها را مرخص کنند همه املاک آنها را خریداری کردند همه این شرکتها در بیشتر شهرها در تهران، کرمان، کاشان، مشهد، تبریز، اصفهان، اراک شعبه داشتند و چون آنها را خلع کرده بودند باید پول آنها را میدادند و قرار شد که شرکت فرش تعهد کند که ظرف ۱۰ سال تسویه کند و تا سال ۱۳۲۵ با دادن فرش تسویه حساب کرد و دو سه تا از مدیران اصلی بی طرف غیر انگلیسی و غیر روسی کمپانی های خارجی را نگه داشت. یکی از آنها که منطقه کرمان، کاشان و استان مرکزی را اداره می کرد تیمو یاناکي بود که فردی یونانی بود که آنچنان بومی شد که یک عروس ایرانی از خانواده عامری ها گرفت برای پسرش به نام رز که پسرش نیز تا آخر عمر در ایران و در ارتباط با تولید فرش بود و در همینجا فوت کرد. یکی دیگر از مدیران روبرت سیمون بود که مدیریت همدان و غرب ایران را در فرش اداره می کرد. و در تاریخ سوم شهریور ۱۳۲۰ زمانی که ارتش متفقین به ایران هجوم آوردند و چون فرانسوی بود لباس افسران ارتش را پوشید و به ارتش پیوست. اتفاقا سالها بعد در سال ۱۳۵۱ که من مدیر بازرگانی شرکت سهامی فرش ایران را داشتم همین



لطفا بیوگرافی از خودتان بفرمائید

در هفتم خرداد سال ۱۳۱۰ در رستم رود از توابع شهرستان نور استان مازندران بدنیا آمدم و تا سال ۱۳۳۰ در همان منطقه بودم و پس از آن برای ادامه تحصیل به تهران مهاجرت کردم. و چون مشمول سربازی بودم در اداره پلیس گمرک کشور به عنوان سرباز وظیفه در یگان پزشکی مشغول شدم و سربازی را می گذاندم و چون کارم اداری بود بعد از ظهرها از ساعت ۷ به بعد به آموزشگاه شبانه می رفتم و توانستم در عرض مدت ۲ سال بصورت فشرده دیپلم خود را بگیرم. و در سال ۱۳۳۳ در شرکت سهامی فرش ایران در امور اداری استخدام شدم و در سال ۱۳۳۴ با دخترخاله خود ازدواج کردم و بدلیل علاقه فراوان به ادبیات مشغول خواندن دیپلم ادبی شدم و آن را نیز کسب کردم و پس از مدتی وارد دانشگاه شدم و در رشته ادبیات فارسی از دانشگاه علامه طباطبائی لیسانس خود را گرفتم و قصد ادامه تحصیل تا مقطع دکترا را نیز داشتم اما متأسفانه بدلیل شرایط شغلی و خانواده و در ضمن بیماری پدر باعث شد که فرصتی برای اینکار بدست نیآورم. اما همواره پژوهش و اطلاعات خود را در رشته فرش داشتم و توانستم متخصص در فرش دستباف ایران شدم.

در حین تحصیل در شرکت سهامی فرش ایران بطور مستمر در قسمتهای مختلف از جمله اداری و دفتری، مالی و حسابداری و بازرگانی فعالیت داشتم تا زمانی که بعنوان مدیر شعبه به آبادان رفتم و مدت ۷ سال در آبادان مدیریت شعبه را داشتم و در آنجا نمایشگاه فرش در سال ۱۳۴۵ در سالن پذیرایی شرکت نفت آبادان برگزار کردم. در همان سالها نمایشگاه فرش بزرگی در نیویورک در سالن پان آمریکن برای شناخت بیشتر فرش در آمریکا و برای خرید و فروش و مبادلات با شرکت سهامی فرش برقرار کردم در سال ۱۳۵۱ تصمیم به جمع آوری طرح ها و فرش های ایران گرفته شد که پس از فعالیت فراوان برای عکس برداری از فرش ها و نوشتن مشخصات درست از آنها دو جلد کتاب نفیس شاهکار فرش ایران را در اسفند ماه ۱۳۵۱ انتشار دادیم که این مجموعه بسیار نفیس هنوز هم در شرکت فرش ایران موجود است و حاوی صدها مجموعه از عکس و مشخصات فرشهای شرکت فرش از تمامی مناطق ایران می باشد.



آقای سیمون برای خرید چند فرش به من مراجعت کردند و چندین فرش خریداری کردند و به فرانسه بردند.

چه سالی شما مدیریت کرمان را داشتید؟

من از سال ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۰ مدیر شعبه کرمان بودم و اصلاً خودم شعبه کرمان را بدین صورت درست کردم. کارگاه متمرکز با حدود ۴۰-۵۰ کارگر زدم و دو تا سالن بزرگ در زمین بزرگی در مساحت ۳۵۰۰ متر که در اختیار داشتم زدم. برای رنگریزی کارگاه درست کردم و جایی برای روشن کردن کوره های رنگریزی درست کردم چون بصورت ابتدایی در یک چاله مانندی در زیر زمین درست کرده بودند که کارگر مجبور می شد در داخل یک چاله بایستد و گازوئیل را در داخل کوره بریزد و همین باعث می شد که کارگران دست و صورتشان بسوزد و صدمه فراوانی به این کارگران وارد می شد. با احداث یک سوله در داخل زمین و لوله کشی بر روی زمین از طریق لوله گازوئیل داخل منبع شود و کوره داغ گردد. تمامی کارگران ار جمله تمامی قالیبافان را بیمه کردم و تشخصا کسی بودم که بیمه قالیبافان را پیشنهاد و بعد از تصویب اجرا نمودم. با توجه به مخالفت تمامی تولید کنندگان دیگر که گفتند من توقع قالیبافان را زیاد کردم و دیگر برای آنها کار نمی کردند و همگی دوست داشتند به کارگاه شرکت فرش بیایند.

فرش کرمان چه ویژگی هایی داشت؟

قبل از اینکه من به آنجا بروم فرش کرمان دچار تقلب بود و جفتی بافی می کردند که وقتی می گفتند ۸۰ جفت کرمان یعنی ۴۰ رج تبریز. ویژگی فرش کرمان تعداد بسیار زیاد رنگ بود در صورتیکه در کاشان سه یا چهار رنگ اصلی استفاده می کردند و چند رنگ هم فرعی بود. در اصفهان رنگ های سبز و آبی و الماسی زیاد بکار برده می شود. تبریز از چند درجه سبز استفاده می کنند از یشمی سیر تا سبز ساقه چناری و مشهد هم درشت باف بود و از لاک و سرمه ای بیشتر استفاده می کرد. اما در کرمان و تبریز در فرش های ریز باف تعداد بالای رنگ بسیار مطرح بود. در کرمان از انواع رنگهای زرد طلایی و انواع بنفش ها و صورتی های تیره و روشن و انواع سبزه های تیره و روشن استفاده می کنند و معمولاً دارای طرح های بسیار شلوغ و ریز می باشد.



زمانی بهترین صادرات را در فرشهای شرکت داشت. شهرستان بم بافت نداشت. اما راور که کاملاً مستقل بود و سنگین ترین نقشه را راور می بافت و بیشتر نقش های آن درختی بود که شلوغ ترین نقشه ها بود. و بسیار ریز باف بود. که البته نقش های شلوغی که به کرمان نسبت داده می شو و پر نقش و و با تعداد بالایی رنگ بافته می شود در اصل مربوط به منطقه راور می باشد.

آیا فرش کرمان با این بافت زیبا و طرح های شلوغ جزو فرش های نفیس است و فروش خوبی دارد؟

سه بار کشور امریکا باعث شد که فرش کرمان زمین بخورد. یکبار در جنگ جهانی اول بو که کرمان بدلیل تعداد بافته بالا و تحت ریاست کمپانی های خارجی تولیدات انبوهی داشت که بصورت عمده سفارش داده می شد که مثلاً فلان نقشه را ۱۰۰ عدد ببافند و معمولاً فرشهای کرمان بزرگ پارچه بود در اندازه های ۹ متری به بالا تا ۴۸ متری هم می بافتند و کناره های ۵ متری به بالا داشتند هم به دلیل نوع زندگی مردم کرمان بود که دارای خانه های بزرگ بودند و هم سفارشات خارجی هم به همین ترتیب بود و سرعت بافته ها هم بدلیل جفتی بافی بسیار بالا بود این فرشهای بافته شده در زمان جنگ داخل کشور ماند و امریکا چون داخل جنگ بود آنها را خریداری نکرد و باز در جنگ جهانی دوم که بین این دو جنگ ۱۰ سال بود و سفارشات را کنسل کرده بودند فرش کرمان بسیار دچار رکود شده بود. و این فرشهای بافته شده در کرمان ماند تا انگلیسها آمدند و به قیمت بسیار پایین خریداری کردند و خودشان به نام فرشهای روس و قفقاز فرستادند امریکا و بدلیل اینکه امریکا با ایران چندین بار قطع رابطه کرده بود این ماجرا چندین بار اتفاق افتاد و چون طرح و رنگ کرمان بیشتر امریکایی پسند بود ضربه بسیاری بر فرش کرمان زد.

آیا شما در منطقه با روش جفتی بافی مخالف بودید؟

بله من جفتی بافی را ممنوع کردم و هرکسی که تقلب بافی می کرد اخراج می کردم و بدلیل تعداد زیاد قالیباف در منطقه برای استخدام استادکاران استانداری در نظر داشتیم و این استاندارد را به استانداری دادم و همه کارگران باید یک توصیه نامه از استادان داشتند تا من استخدامشان می کردم بدین وسیله زبده ترین طراحان و نقاشان و بافندگان و استاد کاران را در مجموعه شرکت فرش جمع کرده بودم. و در عوض بهترین امکانات را در اختیار کارگران قرار دادم. مهد کودک و شیرخوارگاه برای مادران و نوزادانشان در همان مجموعه درست کردم. سرویس حمام و دستشویی های جداگانه برای خانمها و آقایان درست کردم و بافندگان بعد از اتمام کار حمام میکردند و به خانه هایشان می رفتند. غذا خوری جداگانه برای صرف نهار. بچه های زیر ۱۲ سال را بکار نمی گرفتم و آنها را روانه مدرسه کردم و در عوض مقدار کار آنها را محاسبه می کردم و به پدر و مادر آنها که در کارگاه بودند نقشه های پر تر و سنگین تر و ریز باف تر می دادم که با در آمدی بالاتر جبران کار نکردن کودکانشان بشود زیرا در آن منطقه بسیار رایج بود که دختران از ۴-۵ سالگی در کارگاههای بافت در کنار مادرانشان قالی می بافتند و این تاسف بار بود. بیمه هم که جز اصلی شرایط استخدام آنها بود و بهمین علت از آنها می خواستم که هیچگونه تقلبی در کار نداشته باشند و کار مرغوب ارائه شود و بهترین فرشها با زیباترین طرح ها در منطقه کرمان و راور و رفسنجان و جوپار مربوط به شرکت فرش بود.

چرا قالی کرمان اینقدر پر نقش است آیا قصه ای دارد؟

در کرمان دو دسته فرش می بافند. یکدسته امریکایی باف بود و تولید انبوه می کرد که بهترین مشتری های آن همان امریکایی ها بودند که البته در دوره من نداشتیم ولی قبل از من تولیدات امریکایی پسند با ۵ تا رنگ ملایم و آرام جزو تولیدات منطقه بود. مثلاً اصلاً زمینه سرمه ای نداشت و زمینه های کرم روشن و آبی روشن، سبز روشن، صورتی روشن و لاکه روشن بود. و چند تا رنگ فرعی روشن هم با رج درشت و ریشه های بلند و سریع التولید می زدند.

بهترین بافت فرشها مربوط به کدام منطقه بود؟

یک مدیری در منطقه رفسنجان بود که نامش را فراموش کردم و زیر نظر من کار میکرد من بهترین نسخ و رنگ و طرح را برایش تهیه می کردم و او هم بهترین فرشها را می بافت و به مرکز می فرستاد البته نه تنها رفسنجان، حتی منطقه زابل، قزوین و غیره را من طرح هایش را تهیه و ارسال می کردم. شعبه قزوین در سال ۱۳۲۷ تعطیل شده بود و ما نقشه هایش را از بازار پیدا کردیم و نقشه ها را احیا و باز بافی کردیم و می فرستادیم زابل و بعلت وفور قالی باف در منطقه محروم زابل فرشهای بسیار نفیسی بافته می شد که هنوز هم فرشهای نقش قزوین زابل باف شرکت فرش جزو فرشهای بسیار خوب می باشد و



استاندارد ترین فرش مربوط به کجاست ؟

مربوط به فرش کاشان است . چون وقتی به پشت فرش کاشان نگاه می کنی گره هایش یک مربع کامل است که یعنی یک چله می کشند باریکتر از تار و پود و به همان باریکی چله خامه ای که گره می زنند به همراه پودی که زده می شود بر روی هم باندازه همان چله است به خاطر همین مربع کامل ایجاد می شود. آوازه قالی کاشان به بانفدگان توانا و خوش ذوق آن ارتباط دارد که نسل به نسل هنر خود را منتقل کرده اند و کاشان می تواند فرش های اصیل تر و بهتر و زیباتر تولید کند که در ظاهر زیبایی فرش تبریز ولی استحکام و مقاومت فرش کاشان را داشته باشد کاشان تنها شهری است که از رنگ های گیاهی بومی، سنتی و طبیعی در رنگرزی فرش استفاده می کنند کلا رنگرزی از جمله صنایع دستی مرتبط با قالیبافی کاشان است که قدمت آن با صنایع نساجی یکسان بوده است و بایستی تلاش شود که از این میراث گرانبها که در انزوای خانه ها در شرف انهدام است محافظت و احیا شود

آیا به همین دلیل شما فرش کاشان را بعنوان اصالت فرش فارسی به یونسکو معرفی کردید و ماجرای آن چه بود ؟
بله ، فرشبافی کاشان هم دارای فرش



عشایری و هم فرش شهری باف است که فرش های میمه و جوشقان نمونه های فرش عشایری کاشان هستند. از نظر تاریخی کاسیان با کاشی ها توانستند در تاریخ کهن خود با فلاح و صنعت بر طبیعت پیروز شوند و ادامه این توان را در بعدها متفاوتی می توان مشاهده نمود. یکی از موارد مهم توان کاشی ها در فرش بافی ست. این مهم که در دوره صفویه با حمایت پادشاهان در همزمانی با اروپا و رونق ماشین های نساجی و چیت و فاستونی آغاز شد. در تطابق با رنسانس غرب در ایران انواع هنرها به حرکت در آمد تا دوره ی قاجاریه آثار نیک و بد آنها وجود داشت و با طلوع دوباره صنایع در معماری و نساجی و ابریشم شناسی و عملیات ابریشم، دولابی و چندلانی و گلابتون و مفتول های طلا به کار برده می شد خاص مردم کاشان بود. اول قرن دهم که رنسانس ایران آغاز شد نقش اول را کاشانی ها داشتند و قالی شاه عباسی، اولین قالی شاه عباسی اصیل اهدا به حرم امام رضا با گلهای شاه عباسی درشت محصول کار کاشانی هاست.

اهمیت قالی کاشان در دوره های متفاوت پیوسته ماندگار بوده است و مهارت های بافتن قالی که جز میراث ناملموس این دیار کهن بوده وقتی نظام شهری بافی در زمان صفویه متداول شد نه اینکه اصلا نبود بلکه در زمان سلجوقیان بوده اما کمال نیافته بود نمونه آن در موزه متروپولیتن هست که نقشه اسلیمی زمان سلجوقی که در نقشه بافت نشان می دهد که این نقش اسلیمی به آن سبک شهر بافی امروزی نبود البته نباید هم باشه چرا که قالیباف امروز آنقدر مهارت دارد که بدون اینکه نقشه را بشناسد که چی هست با هر رنگی که در چهار خانه نقشه می بیند آن را می بافند و بالا می رود و اگر نقشه را هم قطعه قطعه به او بدهند تا نیمه فرش را با مهارت هم می بافد اما شاید متوجه نقشه اصلی فرش نشود . کاشان اولین شهری بود که شهری بافی در آن رایج شد البته بعد از اصفهان و بدلیل همان استانداردهای بافتی که داشت هم چله کشی منظم داشت و هم بافت دو پوده ای که داشت و بافت مربعی شکل درستی می کرد باعث میشد که بافت مرتبی داشته باشد و در ضمن یکی دیگر از مزایای بافت کاشان چله های بهم پیوسته پایین فرش است که باعث دوام چله های فرش می شود و با نظام شهری بافی که اجرا شد توانسته استانداردترین بافت فارسی باف را داشته باشد و با همکاری سازمان میراث فرهنگی، و تلاشهایی که به همراه فرش شناسان داشتیم توانستیم فرش کاشان را به عنوان سمبول شهری بافی فرش ایران و میراث معنوی بشری توسط دفتر یونسکو در پاریس به سال ۲۰۱۰ میلادی به ثبت جهانی برسانیم که رسماً اعلام شد و متعاقب آن کمیسیون ملی یونسکو هم در ایران از بنده در موزه فرش ایران تجلیل کردند. و از طرف برخی از سازمانها و ادارات شهرستان و دانشگاه کاشان از تلاش های اینجانب برای ثبت مهارت های سنتی بافت فرش کاشان در یونسکو در محل دانشگاه مراسم تقدیری بعمل آوردند که از توجه مردم هنر دوست و فرهنگی کاشان بسیار سپاسگزارم.

استاد شما یک نمایشگاه اختصاصی طرح فرش در تاریخ دوم آذر تا بیست و چهارم آبان سال هشتاد و هفت داشتید چه شد که تصمیم به برگزاری چنین نمایشگاه بزرگ و منحصری را انجام دادید؟

من عضو هیئت علمی گنجینه‌های از یاد رفته در فرهنگستان هنر ایران و شورای تخصصی و ارزشیابی هنرمندان در سازمان گردشگری کشور هستم و فرهنگستان هنر در زمانی که آقای موسوی مدیریت آن را بر عهده داشتند می‌خواستند از من تجلیلی انجام دهند و من مخالفت کردم و گفتم اگر قرار است یک جلسه ای بگیرید و عده ای بیایند و دست و کف بزنند و یک لوح و تندیس به من داده شود و این بشود تقدیر من راضی به این نیستم زیرا این طراحان و نقاشان هستند که زحمات بسیار می‌کشند و کارهای آنها در وادی فروش فرش گم می‌شود و هیچ جا نامی از آنها نمی‌شود. و گفتند که پس چکار کنیم و من پیشنهاد دادم برای حفظ آثار این عزیزان و برای نشان دادن طرح های نفیس فرش که در بعضی خانه ها و حجره ها بایگانی شده و برای شویق دانشجویان فرش یک نمایشگاهی از آثار داشته باشیم و در موزه هنرهای معاصر به مدت ۲۰ روز به نمایش قرار بدهیم تا مردم بیشتر این هنرمندان را بشناسند و با موافقت آقای موسوی اینکار برگزار گردید و مدیریت هم بعهدہ اینجانب قرار گرفت و در اولین اقدام فراخوانی جهت پذیرفتن نقشه های فرش به تمامی استانها دادم که و از آنجاییکه در مقاطع مختلف مسولیت داشتم، خوشبختانه شناخته شده بودم و تمامی افراد با اطمینان کامل نقشه هایشان را برایمان فرستادند و در فرهنگستان فرش بهمراهی هیئتی از کارشناسان و طراحان فرش نقشه ها را بررسی و انتخاب کردیم که تعداد بشمار طرح فرش را انتخاب کردیم و در نمایشگاه بمدت ۲۰ روز به بازدید همگانی گذاردیم . و در همان فرهنگستان هنر با مساعدت چند سازمان دیگر به پاس این خدمات و اینکه من در پاسداشت و مانایی هنر طرح و نقش فرش اصیل و سنتی ایران فعالیت و تلاش داشتم ام، مراسم بزرگداشت را اینچنین همراه با طرح های زیبای طراحان و نقاشان فرش از تاریخ ۸۷/۹/۲ تا ۸۷/۹/۲۴ در محل موزه هنرهای معاصر بر پا کردند که بنا به درخواست خودم و اجرای چنین نمایشگاه گروهی بهترین بزرگداشتی که از یک هنر و هنرمندان می‌شد بود و این مراسم در پایان با اختتامیه نمایشگاه طرح و نقش فرش در موزه هنرهای معاصر که با حضور مدیر کل هنرهای تجسمی، دبیر فرهنگستان هنر و نیز رئیس گروه های هنرهای سنتی و دبیر نمایشگاه و انجمن نوری های مقیم مرکز و نیز جمعی از هنرمندان و علاقه مندان به هنر فرش برگزار شد و در پایان این مراسم لوح سپاس فرهنگستان هنر با خط استاد امیرخانی رئیس انجمن خوشنویسان ایران و تذهیب استاد دکتر سعید آبادی و امضاء مهندس میرحسین موسوی و نیز اهداء شانه بلورین از سوی انجمن پژوهشگران و هنرمندان فرش دستباف ایران به اینجانب اعطا شد و من از این قدردانی آنها بسیار سپاسگذارم .

استاد گویا کتابی از زندگی شما نیز از سوی پژوهشکده فرهنگستان هنر انتشار یافت قضیه آن چگونه بود؟

کتاب نقش بند خیال زندگینامه من است که بخشی از مقالات و سخنرانی ها و نیز اشعار و دل سروده های اینجانب در آن گنجانیده شده که به همت سرکار خانم اکرم عزیز طائمه، همسر مرحوم درودچی تدوین و از سوی پژوهشکده فرهنگستان هنر منتشر شده است. مجموعه مقالات من پیش از این در فصل نامه هنر پو و مجله نقش و فرش به چاپ رسیده بود و مجموعه سخنرانی ها با موضوعات مبتلا به در هنر فرش و طرح و نقش در سازمان میراث فرهنگی، دانشگاه کاشان و نیز در دومین نمایشگاه آثار پیشکسوتان هنر سنتی ایران ارائه شده .



فر بود که گروهی بودند از حاج مسیح اسفندیاری، طبیب زاده نوری، جعفر محدث، حمزه رفیعی، محمد اسفندیاری، بهادر اسفندیاری، امیرعباس ملک محمدی نوری، رمضان جمشیدی (امینی) و اینجانب که به عنوان دبیر ستاد انتخاب شده بودم و مقرر شده بود که پیکر نیما در زمینی که اکنون، ساختمان مخابرات یوش در آن است، خاکسپاری شود که با چاره جویی ستاد، نتیجه بر آن شد که برای پاسداشت خانه ی پدری نیما، کالبد نیما در حیاطش به خاک سپرده شود و بالاخره در تاریخ ۲۵ شهریور ماه مراسمی در تالار رودکی برگزار گردید و من هم در آن مراسم سخنرانی در باره این شاعر بزرگ که به کماندار کوهستان لقب گرفت داشتم و بالاخره در ۲۶ شهریور پیکرش در میان دستان دوستدارانش در خانه پدریش به آرامش ابدی رسید.

چگونگی همکاری خودتان را در تصحیح دانشنامه فرش ایران بفرمایید.

دانشنامه به تالیف آقای احمد دانشگر با تلاشی حدود ۲۰ سال انجام پذیرفته بود و یک کتاب حدود ۸ جلدی بود و با اصطلاحات مختلف در فرش که به تصحیح و تنقیح نیاز داشت و آقای دانشگر این مجموعه ارزشمند را به مرکز ملی فرش ایران برای چاپ بردند و آنها هم نظر دادند که جلسه ای به مدیریت اینجانب تشکیل شود و من هم بدلیل داشتن یک فرهنگ نامه تخصصی فرش در ایران قبول کردم و مجمعی از کارشناسان دیگر اعم از آقای اله داد و آقای عابد و خود آقای دانشگر تشکیل دادم و به مدت طولانی این جلسات ادامه داشت تا توانستیم مجموعه چهار جلدی از این دانشنامه ارائه دهیم که با سرمایه مرکز ملی فرش ایران دو جلد آن در قطع بزرگ انتشار یافت و بعد از چندین سال در زمان مدیریت جناب آقای کارگر در مرکز ملی فرش ایران این مجموعه در قطع وزیری و در ۴ جلدی انتشار و در نمایشگاه فرش ایران رونمایی گردید.

شنیدیم که شما در انتقال کالبد نیما شاعر نامدار و پدر شعر نواز تهران به یوش فعالیت و همکاری داشتید ممکن است بگویید چگونه این اتفاق افتاد؟

بله بیاد دارم که حدود ۴-۵ سالی بعد از اینکه من به تهران آمده بودم در صبح چهاردهم دی ماه ۱۳۳۸، در یکی از رواق های مسجد قائم، پیکر نیما یوشیج را در میان یک قالیچه گذاشته بودند و پیکر نیما یوشیج را بستگان و دوستدارانش از مسجد قائم در خیابان سعدی شمالی (تهران) به امامزاده عبدالله بدرقه کردند. در میان کسانی که برای تشییع پیکر نیما یوشیج آمده بودند منتخب الملوک اسفندیاری (دختر عموی نیما و همسر ابوالحسن صبا، خلیل ملکی، جلال آل احمد، احمد شاملو، فروغ فرخزاد، سیاوش کسرای، هوشنگ ابتهاج (سایه)، نصرت رحمان، سیروس طاهباز و احمد رضا احمدی بودند.

عظام الدوله آشتیانی (شوهر خواهر نیما) می گفت که انجمن ادبی ایران تصمیم گرفته پیکر نیما را در تپه ی «زرده بند» نزدیکی لشکرک که برای مهندس سلطانی است، به خاک بسپارد و پیروان مکتب نیما، آرامگاه زیبایی برای او خواهند ساخت و تا پایان یافتن ساختمان آرامگاه، پیکر نیما به عنوان امانت در امامزاده عبدالله نگهداری خواهد شد. که این چنین نشد و پیکر نیما یوشیج را تنها در امامزاده عبدالله (شهر ری) به خاک سپردند.

و بالاخره در شهریور ۱۳۷۲ گروه (بررسی فرهنگ سرزمین نور)، سستادی به نام «انتقال کالبد نیما به یوش» را برپا کرد. این ستاد که به ریاست سرهنگ علی پاشا نوری اسفندیاری (از عموزادگان زنده یاد نیما یوشیج) و جانشینی شادروان تیمسار اسدالله روئین



مراحل گوناگون
طبی طریق کرده
محشور باشد، در فضاهایی متنوع
و عطر آگین: از عملیات تبدیلی مواد اولیه
، تولید قالی و حرص و جوش و درد دل هنرمندان مولد
آن را لمس کند، پای پاتیل رنگرزه ساعت ها چون شاگردی
مستمع آزاد بایستد، از محضر طراحان و نقاشان فرش و ذوق
آزمایی هایشان کسب فیض بصری و جدلی کند، در شست و
شو و عملیات نهایی و تکمیلی، مرمت و قالی پردازی و قالی
آرایی حضور یابد و بالاخره تعامل و تقابل بازار و جنب و جوش
ورقابت بازاریان را شاهد باشد و ترفندهای تلمیح آمیز آن را
درک کند و غبار این متاع قدسی را چون تربتی مطهر ببلعداز

و سخن آخر و
اینکه چه توصیه ای
برای خانواده فرش دارید؟

فرش دستباف ایران یکی از آیین‌های تمام نمای
هنرهای سنتی و صناعی ایران زمین است که تمامی جلوه های
ذوق ، علاقه ، احساس ، عاطفه ، ادراک و عشق انسان شرقی را
در خود جمع کرده. با زبانی که ترنم موسیقی حیات وهستی
را فراسوی دیدمان به گوش جانمان می پوشاند و در نهایت
خاموشی با صدهزار زبان تصویری ، اشاراتی عشق آمیز و نوایی
شور انگیز حرف دل آفرینندگان خویش را به سویدای دل و
عمق وجود مخاطب خود منتقل می کند. به ویژه اگر مخاطبی
که اندکی اهلیت داشته باشد و با این هنر و اصحاب آن در



یک سو و از سوی دیگر پیرانه سر در محافل دانشگاهیان و اهالی درس و مشق فرش بی قمقمه مشق کند، با دانشجویان خوش ذوق و پرسشگر حریص در درس گفتاری مشترک داشته باشد، ساعت هابا پژوهشگران و کارشناسان و به اصطلاح تئوری پردازان حشر و نشر داشته و سر انجام با دستی لرزان در قلم، زبانی الکن در سخن و دلی شکسته در نهاد به انزوای خستگی خویش خزیده شاهد و ناظر بی مهری های دولت مردان و دولت مندان باشد که هم با بوق و کرنا سنگ این برگ زرین هویت ملی را به گزاف بر سینه زده و تظاهر به تعصب و غیرت تولیدات ملی غیر وابسته را به زبان داشته ولی در عمل شاهد مرگ یکی از بزرگترین نهادهای ملی فرش باشد می توانست امروز با یک قرن تجربه تلخ و شیرین در عرصه مدیریت از سوی دولت بزرگترین وقوی ترین پشتوانه و پشتیبان فرش باشد که تحت عنوان خصوصی سازی در معرض معامله یا احياناً زبانه لال مصالحه قرار گیرد. که عنوان و کسوت و "برند" تجاریش به میلیاردها می ارزد و چون مادری سالخورده و پدري پشت خمیده در گوشه ای افکنده و موارث آن به کیسه فرزند خواندگان آینده فرو ریزد، موارث معنوی که با خون جگر فراهم آمده باشد امروز برای فرش دستباف ایران چه مانده است و برای تولیدات ملی و خودگردانی همچون فرش دستباف که از وسایل و ا بزار و مواد و طرح و نقش هنرمند و صنعتگر و کارشناس و متخصص و رنگرز و مرمت کار با تمامی فوت و فن های موجود هیچ گونه نیازی به





واردات و تفرعن وارداتی و تکبر و تبختر خارجیان و بیگانگان استعمارچی و استعمارگر ندارد چه مانده است؟

چنین رشته مستقلی که تامین کننده میلیون ها فرصت شغلی نیرویبر - نه سرمایه بر- باشد و بهترین جاذبه مکمل درآمد در روستاها، عشایر، شهرستان ها و استان ها محسوب می شود چرا باید در بوته اجمال و نسیان قرار گیرد؟



آیا نیروی مولد دیگری که جدا قادر به عرضه اندام در برابر مصرف کنندگان داخلی و خارجی باشد جز در فرش دستباف داریم؟

این مطالب از یک پیرمرد صاحب درد یا جدی گرفته می شود یا به هذیان دوران سالخوردگی تعبیر خواهد شد. در هر صورت من آنچه شرط بلاغ است با تو می گویم، تو خواه از سخنم پند گیر خواه ملال. من نه طرفی خواهم بست نه چشمداشتی دارم

سالها طی شد و کس مرد ره عشق ندید
حالیا چشم جهانی نگران من و توست

با سپاس از شما استاد گرانقدر

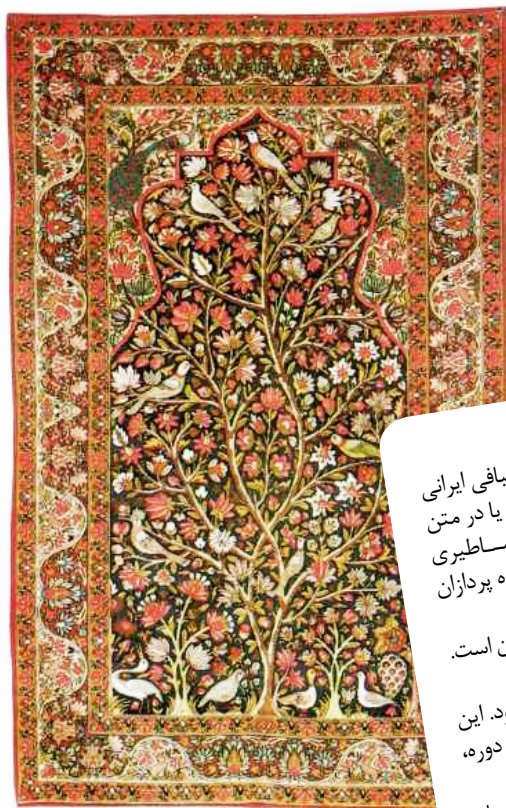




کارگاه رنگرزی آقای فرمانی - شیراز
عکس: احسان جعفری



نقش های درختی بر روی فرش دستباف و اعتقادات این مظهر رمز آمیز



نقش درختی
نقش درخت یکی از اصلی ترین نقوش رایج در فرش‌بافی ایرانی است که به گونه های مختلف یا به صورت نقش اصلی یا در متن و بافت طرح به کار می رود. این نقش از جمله نقوش اساطیری بزرگ است که راز و رمز به کارگیری آن توسط اسطوره پردازان نماد پردازی درخت جهان به معنای نماد پردازی کل کیهان است. قلمرو این درخت در ناخودآگاه و زندگی ژرف تر ماست. در کار برد این نقش فعالیت روانی و ذهن یکپارچه می شود. این نماد در اساطیر و ادیان به معنای نوزایی، بی پایانی، تجدید دوره، منبع زندگی و سر چشمه جوانی و واقعیت است. چنین اسطوره ای بیانگر حقیقت است چون تاریخ مقدسی را بیان می کند و بدین وسیله تکرار پذیر می شود. نقش درخت که اکثرا به صورت درخت سرو طراحی می شود در انواع طرح های درختی، گلدانی، (ونقش ناظم)، متن نقش، محرمات، طرح گلستان با باغی یا بهشت و پالیز. در انواع بافت قاب قابی یا خشتی بوته، به کار می رود. نقش سرو از جمله نقوشی است که علاوه بر قالی در بافت پارچه نظیر ترمه و چاپ قلم کار، قلم زنی بر فلزات و سنگ و در انواع هنر های سنتی ایرانی کاربرد فراوان دارد. همین‌پراکندگی کاربرد و اعتبار دراز مدت نقش است که شکل آن را دگرگونی وسیعی داده و باعث گردیده تا اقسام این نگاره امروزه حدود بیش از ۶۰ صورت متفاوت داشته باشد.

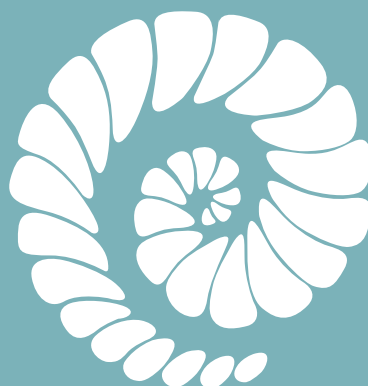


در خصوص درخت سروی که به شکل بوته درآمده تفاسیر متعددی وجود دارد: مظهر رازآمیز شعله آتش آتشکده های زرتشتی، تمثیل شکل بادام یا گلایی، تجسمی شیوه یافته از گیاهی هندی که از همانجا نیز به ایران راه یافته است، لیکن آقای پرهام بر ایرانی بودن نقش و ورود آن به هند از ایران و کاربرد در شال کشمیر هند تاکید می ورزند و شاید زیبا ترین و نزدیک ترین تعریف به معنای شکل بوته سرو تارک خمیده از باد موجود در طبیعت باشد.

تحول و تبدیل سرو به بوته به سه دوره در هنر قبل و بعد اسلام قابل تفکیک است. در ابتدا سرو درختی مقدس و رمزی مذهبی و نشانی از خرمی، همیشه بهاری و مردانگی است. در این مرحله سرو به صورت هیات اصلی و طبیعی خود در تمدن آشور، ایلام و هنر هخامنشی خود را نشان میدهد و حالت نگاره تزئینی ندارد. نگارگری آن در اینجا مقطعی بوده و برش عمودی درخت را با شاخه های افقی مجسم می سازد که در سنگ نگاره های تخت جمشید در نهایت دقت و ظرافت به کار می رود. در ادامه دوره اول، نقش سرو در هنر پارتی و ساسانی یگانه درخت مقدس نیست هر چند منزلت آن هم چنان مستدام

باقی می ماند. لیکن این منزلت دیگر بار رمزی و مذهبی ندارد و صرفاً مداومت یک نقشمایه سنتی است. در دومین مرحله تطور درخت سرو، هم زمان با نفوذ تمدن اسلامی سرو از ریشه های باستانی جدا شده و به نگارهای زینتی مبدل و از ماهیت مذهبی خود دور می شود. هر چند براساس شواهد به دست آمده این اعتقاد همچنان پا بر جاست که تا سده دوازدهم هجری سرو مظهر و نماد خرمی جاویدان درخت زندگی بوده است. از اینجاست که سرو به صورت ساده بته جقه تصویر شده و به یک نگاره زینتی نزدیکتر می گردد. از سده ششم به بعد سرو بته و سرومنقش از صورت های ساده نخستین بیرون می آید و بته جقه ای شکل شیوه یافته کامل ونهایی خود را می یابد. پیدایش بته بر قالی ایران زمانی صورت می گیرد که نمادها تنها بازتاب نیازها و باورهای اشتراکی نیستند بلکه جنبه زیبایی شناختی و تزئینی دارند. همچنین از بین علاوه بر نقش افشان می توان اشاره کرد. همچنین از بین نقشمایه ها گل بوته سه شاخه یا سه گل که در آن گل میانه بلند تر از سطح هم ردیف دو گل بوته دیگر است، نشانگر طلوع خورشید، اوج نیمروزی و غروب آن است. دو جفت مرغی که از درخت مقدس پاسداری می کنند، گل های انار، هشت پر قابل ذکر است که در آنها هر یک به نوعی این گیاه و درخت نماد بی پایانی، جاودانگی و سلسله ناکستنی هستی است.

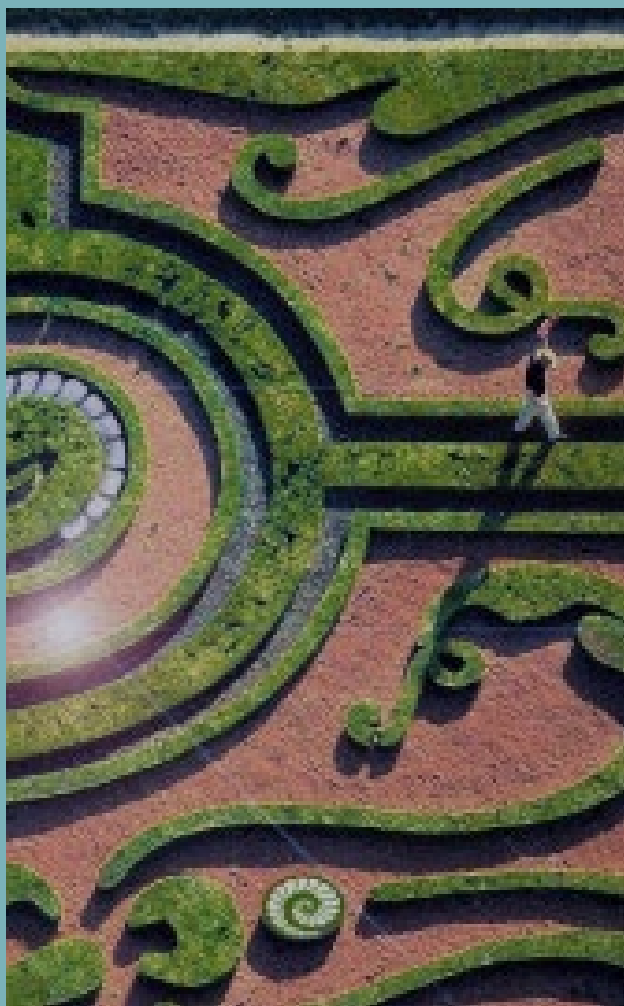




SEPANJ STUDIO

www.sepanjstudio.com

استودیو طراحی و برندسازی سپنج



"سپنج" خدمات یکپارچه‌ی خود را با توجه به نیاز مشتریان، از سازمان‌های کوچک و متوسط تا بزرگ به اثر گذارترین شکل ممکن ارائه می‌دهد که شامل موارد زیر است:

- تدوین استراتژی بازاریابی
- بخش بندی بازار و تعیین موقعیت کسب و کار و هدف گذاری
- برند سازی و طراحی المان‌های برند
- تدوین و اجرای استراتژی پیام
- طراحی و تدوین محتوا و متن تبلیغاتی
- طراحی کمپین‌های خلاقانه بر اساس استراتژی تعیین شده
- هویت سازی یکپارچه برای مشتریان بر اساس استراتژی
- دیجیتال مارکتینگ
- توسعه‌ی برند در شبکه‌های اجتماعی
- طراحی گرافیک تجاری، طراحی سایت و تهیه و تولید مستندهای تبلیغاتی



sepanjstudio



sepanjstudio

۰۹۱۲۶۹۳۵۲۹۱

قدیمی ترین قالی تاریخ دار ایران قالی شکارگاه دوره شاه طهماسب صفوی در قرن دهم هجری (حدود ۴۵۰ سال پیش) بافته شده است. این قالی در بین قالی های مشهور جهان از نظر زیبایی و ظرافت بافت (۱۲۷۰۰ گره در دسیمتر مربع) بدون تردید شاهکاری از فن قالیبافی جهان است و در مقام نخست قرار دارد. در حقیقت برخی از صاحب نظران معتقدند که این قالی نفیس ترین قالی ای است که تاکنون بافته شده است و تنها فرش به شمار می رود که تار و پود و پرز آن از ابریشم است و قسمت هایی از نقش ها با نخ سیم تاب بافته شده است.

در قالی شکارگاه شکارچیان سوار بر اسب هستند و به نیزه و شمشیر و تیر و کمان و چماق مسلح هستند. در نمایش این شکارگاه کلیه آداب و رسوم ایرانی رعایت شده است زیرا در ایران اغلب شکار را می رانند و برای شکارچی آماده می سازند تا زیاد دچار خستگی نشوند و صحنه شکارگاه بیشتر کوشش انفرادی شکارچیان را مجسم میکند که از روش معینی تبعیت نمی کنند. لباس شکارچیان در این قالی لباس اصیل ایرانی است.

در متن قالی نقش حیوانات مختلف دیده می شود. از نقوش حیواناتی که در این قالی بکار رفته است میتوان به شیر، پلنگ، گورخر، اژدها، سیمرغ، خرگوش، گرگ، خرس، آهو و شغال اشاره کرد. ترنج سبزرنگی به شکل ستاره هشت پر در وسط قرار دارد که در آن چهار جفت اژدهای طلایی دویه دو به سبک چینی به هم پیچیده اند و سیمرغها نیز دو به دو در پروازند با رنگ زمینه صورتی مایل به عنابی نقش بسته است. همانطور که در طرحهای ایرانی دیده می شود، لچکها یک چهارم نقش

قالی شکارگاه

ترنج را در چهار گوشه تکرار میکنند. حاشیه این قالی یکی از جنبه‌های زیبا و چشم‌گیر و عالی آن محسوب میشود. رنگ متن حاشیه سرخ ارغوانی است و ردیفی از فرشتگان بالدار در زمینه‌ای که با نقش پرندگان و نگارهای مارپیچ و گل زینت یافته در کاسه‌هایی بهم میوه تعارف می‌کنند.

در کل نقاط این فرش چه در حاشیه چه در متن از نقوش قوس‌های اسپیرال و اسلیمی‌های ریز و درشت بسیار استفاده شده است. گل‌های شاه عباسی و گل‌های چند پر و برگ‌های ختایی هم در طرح‌های مختلف و اندازه‌های بسیار متنوع در این کار به چشم می‌خورد.

گل‌های شاه عباسی که در حاشیه کوچک آن استفاده شده در قسمتهای مرکزی این گل با چشم و ابرو کار شده و طرح یک زن را نشان میدهد.

از طرح‌های پیچان شبیه ابرهای چینی هم در کل کار مخصوصا در حاشیه بزرگ بسیار استفاده شده است.

اطراف فرشته‌ها در حاشیه از طرح مرغ و خروس بسیار استفاده شده است. که به نوعی بالهای فرشته‌گان و قسمتهای دم این مرغان با هم هماهنگی خاصی دارند.

درختانی که در قسمت متن طراحی شده اند بسیار روان و پیچ و خم دار هستند و به طور کلی خطوطی که در طراحی این کار استفاده شده همه روان، سبک و خمیده هستند. و در این کار کمتر به خطوط شکسته برخورد می‌کنیم.

در تمامی قالی بر روی لباسهای فرشتگان و بر روی تنه چهار اژدها، بر روی زین اسبها، در متن هم به نوعی با گل شاه عباسی و گل چند پر کار شده است. خطوطی شبیه شاخه درخت و پیچان، مانند ابرهای چینی، دور تا دور بدن اژدها را گرفته

و به نظر می‌رسد که آنها را تحت فشار دارند. این خطوط و نوع طراحی بیشتر در دوره صفویه بوده است.

ابعاد این قالی نفیس $3/23 \times 6/95$ متر می‌باشد و به خاطر استفاده از مفتول زربفت شده طلا و نقره بر روی ابریشم سفیدرنگ جزء فرشهای زربفت محسوب می‌شود. تار و پود آن از ابریشم طبیعی زرد رنگ است (پود دولا)، پرز آن ابریشم با مفتول ضربت شده طلا و نقره بر روی ابریشم سفید رنگ می‌باشد و با 1274000 گره فارسی در متر مربع بافته شده است. تعداد گره آن در هر اینچ مربع 29×10 (۱۰۸ گره در ۱۰ سانتی متر عرض و ۱۱۸ گره در ۱۰ سانتی متر طول) است و نوشته اند که ریزباف تر از این قالی از دوران صفویه باقی نمانده است. تار و پود آن ابریشم است.

به طور مسلم این قالی توسط یکی از نقاشان دربار و آنطور که دکتر مارتین و عده‌ای دیگر معتقدند توسط سلطان محمد، نقاش مشهور دربار شاه طهماسب، طراحی شده است، چه تحرک و جنبش و مهارت پرشکوه پیکرنگاری آن استاد عالی مقام را بطور کامل در بردارد و به همین علت تاریخ بافت آن را نیمه قرن دهم هجری قمری می‌دانند.

دوم هجری قمری می‌دانند. در سال ۱۶۹۸ میلادی - ۹۹۷ شمسی این شاهکار را به امپراتور لئوپولد اول در وین هدیه داد. این فرش هم اکنون در موزه هنر و صنعت وین نگهداری می‌شود و به فرش شکارگاه وین معروف است.

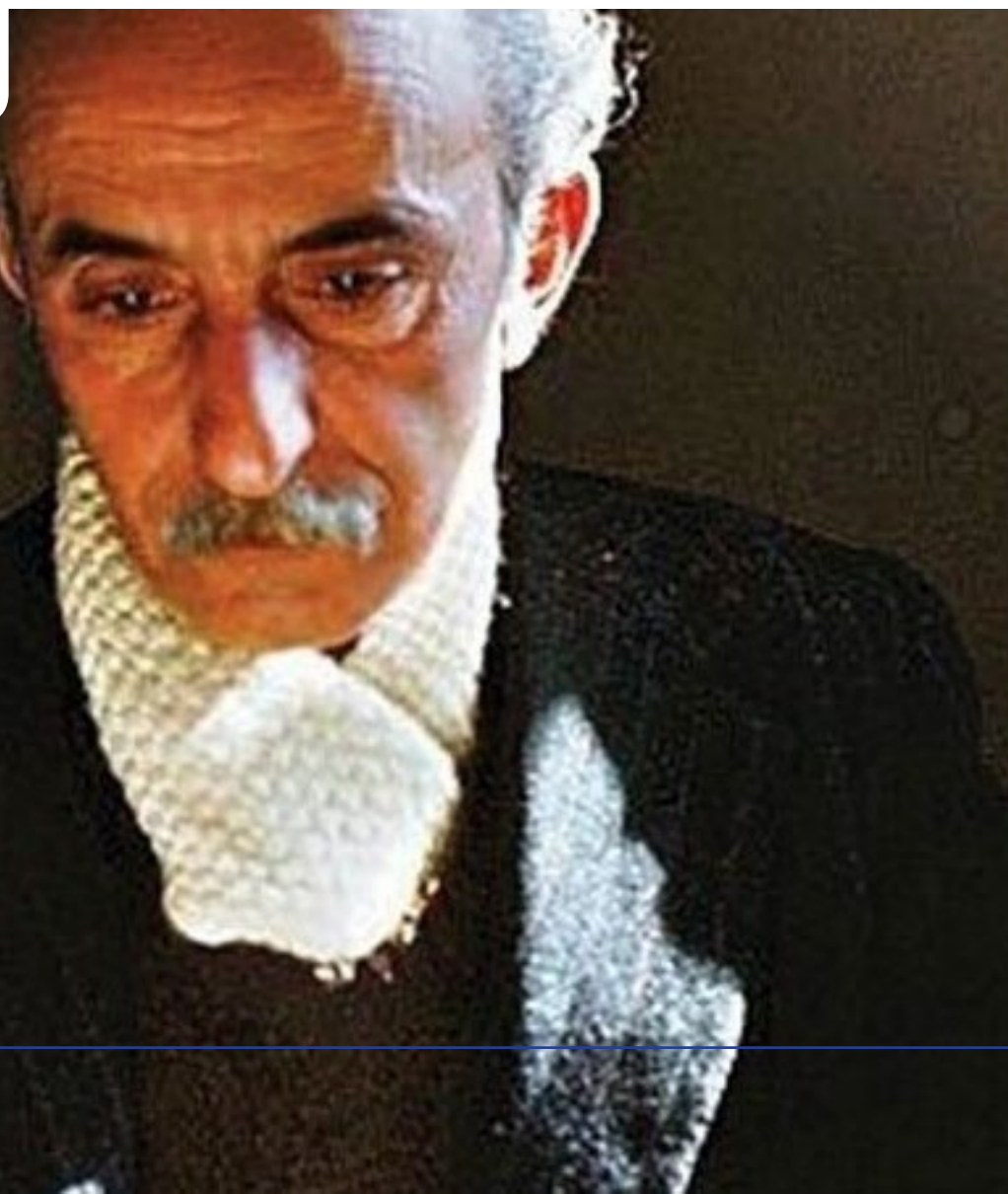


زندگینامه نیما یوشیج

در زندگی نامه نیما یوشیج آمده است که علی اسفندیاری، مشهور به نیما یوشیج و متخلص به نیما، فرزند ابراهیم خان اعظام السلطنه نوری، از شاعران مشهور معاصر و دگرگون کننده مسیر شعر فارسی است. علاوه بر این در ادامه زندگی نامه نیما یوشیج آمده که وی، در سال ۱۲۷۴ هجری شمسی، در دهکده یوش از توابع مازندران به دنیا آمد. نیما یوشیج که یک کشاورز زاده بود، در روستای زادگاه خود (از ملای ده) مقدمات را آموخت. نیما یوشیج آنگاه به تهران آمد و در مدرسه سن لویی تحصیلات خود را پایان برد. نیما؛ زبان فرانسوی را به خوبی آموخت و در شاعری را نیز از نظام وفا تعلیم گرفت. و نخستین شعر خود را در سال ۱۳۰۰ منتشر کرد. آشنایی نیما یوشیج با ادبیات

به بهانه ۲۱ آبان
سالگرد تولد نیما یوشیج
پدر شعر نو

اروپایی، موجب تاثیر گذاری وی بر شعر فارسی شد؛ کاری که پیش از آن، شاعران دیگری چون قآنی و عشقی می توانستند و نکردند. نیما، از کارمندان وزارت فرهنگ بود، در سال های ۱۳۰۹ تا ۱۳۱۱ هجری شمسی در آستارا در دبیرستان تدریس می کرد و در ۱۳۱۱ به زادگاه خویش رفت و به کارهای خانوادگی خود پرداخت. او، همواره به زادگاه خود عشق می ورزید و بسیاری از مایه های شعر خویش را از آن دیار گرفته است. نیما یوشیج در سال های ۱۳۱۷ تا ۱۳۲۰ هجری شمسی عضو هیأت تحریریه مجله موسیقی بود. کتاب پر ارج ارزش احساسات که اثر نیما یوشیج می باشد در این مجله از وی به یادگار گذاشته شد. نیما یوشیج، پس از سال های انتظار خدمت، بار دیگر در سال ۱۳۲۹ شمسی، به کارهای مطبوعاتی روی آورد و در اداره کل انتشارات وزارت فرهنگ، به کار بررسی کتاب و نقد شعر پرداخت و سرانجام در سال ۱۳۳۸ هجری شمسی زندگی را بدرود گفت.





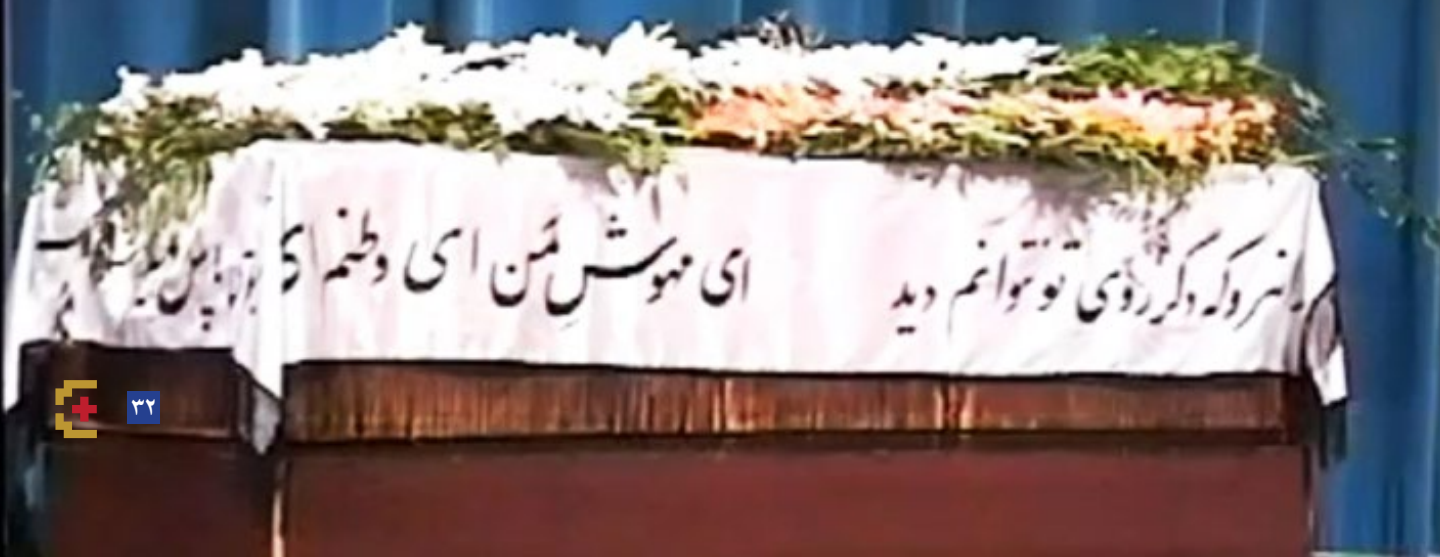
نیمایا، گذشته از شیوه ابتکاری خود، قالب های سنتی شعر فارسی را نیز به خوبی می سرود و افسانه او، فاصله ایست میان شعر کهن و شعر نوین نیما. در شعر نو نیما یوشیج، وی بیشتر به مسائل مردمی روی آورده است و واژگان شعرش، با زبان عامه پیوندی تنگاتنگ دارد. مشهورترین آثار منظوم او: مجلس، قصه رنگ پریده، افسانه و برای دل های خونین است.

نخستین مجموعه شعرهای نیما یوشیج، در سال ۱۳۳۴ شمسی به کوشش دکتر ابوالقاسم جنتی عطایی چاپ و منتشر شده است. بخشی از آثار نیما یوشیج نیز به زبان های فرانسوی و انگلیسی ترجمه شده است. فهرست کتاب های نیما از این قرار است: ماخ اول، شعر من، ناقوس، شهر صبح-شهر شب، آهو و پرنده ها، مانلی، یادداشت ها و...، قلم انداز، دنیا خانه من است، نامه های نیما به همسرش، عنکبوت و فریادهای دیگر، کندوهای شکسته، آب در خوابگاه مورچگان، حکایت و خانواده سرباز.

نخستین مجموعه کامل از آثار نیما یوشیج، به کوشش سیروس طاهباز و نظارت شراکیم یوشیج در سال ۱۳۶۴ شمسی در تهران منتشر شد. نیما یوشیج از جمله بزرگ ترین و به نام ترین شاعران فارسی به حساب می آید که آثار ارزشمندی را از خود به جای گذاشته است. کالبد نیما، سال ها پس از فوت وی در تهران به امانت به خاک سپرده شده بود، که سرانجام این کالبد به زادگاهش یوش انتقال یافت و به گور خفت. هم هماهنگی خاصی دارند.



می میرم صد بار پس مرگ تنم
می گرید باز هم تنم در کفنم
زان رو که دگر روی تو نتوانم دید
ای مهوش من ای وطنم ای وطنم



دست او بر در، می‌گوید با
خود:
غم این خفته‌ی چند
خواب در چشم ترم
می‌شکند

دست‌ها می‌سایم
تا دری بگشایم
به عبث می‌پایم
که به در کس آید

در و دیوار به هم
ریخته‌شان
بر سرم می‌شکند
می‌تراود مهتاب
می‌درخشد شبتاب
مانده پای‌آبله از راه دراز
بر دم دهکده مردی تنها
کوله‌بارش بر دوش
دست او بر در، می‌گوید با
خود:

غم این خفته‌ی چند
خواب در چشم ترم
می‌شکند

در جگر خاری لیکن
از ره این سفرم می‌شکند
نازک آرای تن ساق گلی
که به جانش کشتم
و به جان دادمش آب
ای دریغا به برم می‌شکند
دست‌ها می‌سایم
تا دری بگشایم
به عبث می‌پایم
که به در کس آید
در و دیوار به هم ریخته‌شان
بر سرم می‌شکند
می‌تراود مهتاب
می‌درخشد شبتاب
مانده پای‌آبله از راه دراز
بر دم دهکده مردی تنها
کوله‌بارش بر دوش



می‌تراود مهتاب
می‌درخشد شبتاب
نیست یک دم شکند خواب به چشم
کس و لیک
غم این خفته‌ی چند
خواب در چشم ترم می‌شکند
نگران با من استاده سحر
صبح می‌خواهد از من
کز مبارک دم او آورم این قوم به جان
باخته را بلکه خبر



انتخاب و حضور استاد محسنی بعنوان دبیر
ستاد اجرائی انتقال کالبد نیما یوشیج شاعر
نامدار کوهستان به زادگاهش یوش

مراسم تجلیل به روایت تصویر

تجلیل از بزرگان فرزادگان

بزرگداشت استادان
شیرین صوراسرافیل
محسن محسنی
احمد دانشگر

سخنرانان: سرکار خانم فرشته دست پاک، دکتر بهروز عمرانی، دکتر سید عبدالمجید شریف زاده
دکتر بیژن اربابی، استاد شیرین صوراسرافیل، استاد محسن محسنی و استاد احمد دانشگر

یکشنبه ۱۹ آبان ۱۳۹۸ - ساعت ۱۰ تا ۱۲

خیابان سنول، جنوب به شمال، خیابان نمایشگاه بین المللی
درب جنوبی، سالن کنفرانس شماره یک نمایشگاه بین المللی تهران



مراسم تجلیل از مفاخر فرش ایران و گرامیداشت فعالیت های خانم دکتر شیرین صوراصرافیل، استاد محسن محسنی و استاد احمد دانشگر در نمایشگاه برگزار شد و سخنران اول جناب آقای استاد محسنی صحبت های خودشان را در مورد قالیبافان ارائه دادند و از این قشر زحمت کش قدردانی کردند و گفتند که باید همیشه و در همه حال فرش دستباف را حمایت کنیم گر چه تحریم های بین المللی صنعت فرش را نیز نشانه گرفته است اما حتی امروز که دچار مشکل صادرات هستیم، این تحریم ها از شایستگی های فرش ما کم نمی کند چرا که در کاخ سفید زیر پای رئیس جمهور، فرش ایرانی قرار دارد و یا تابوت پاپ در کلیسا بر روی فرش ایرانی نهاده شده و بدین صورت در تمامی جهان همواره فرش ایران می درخشد

فرش کاشان در مراسم عروسی شاهزاده گیوم و پرنسس استفانی در کلیسای جامع نوتردام در لوکزامبورگ سال ۲۰۱۲





سخنران بعدی جناب آقای استاد احمد دانشگر بودند که ایشان هم از سختی ها و مشقتهایی که در ارتباط با دانشنامه متحمل شده بودند سخنانی گفتند که چگونه تقریباً بیست سال در هر منطقه ای که بودند تمامی کلمات و لغات محلی و بومی را با معانی آن جمع آوری می کردند تا بالاخره اولین چاپ کتاب در سال ۱۳۷۹ با همت مرکز ملی فرش ایران و با اصلاحیه هایی که توسط گروه مدیران و مسئولین و با سرپرستی آقای محسنی برگزار گردید قرار شد در ۴ نسخه به چاپ برسد که دو نسخه آن به چاپ رسید و چند سال بعد به همت جناب آقای کارگر مدیر وقت مرکز در قطع کوچکتر و در یک مجموعه ۴ جلدی به چاپ نهایی رسید و در نمایشگاه بین المللی تهران رونمایی شد. ایشان در راستای این فرهنگ لغت بسیار زحمت کشیده اند

و پس از آن خانم دکتر صور اسرافیل پشت تریبون قرار گرفتند و در مورد مشکلاتی که در راه پژوهش و تحقیقاتشان داشتند سخن گفتند و گرچه خودشان بسیار سختی کشیدند تا هر بخش بخش آن کتابها را بنویسند و بهمین جهت خواستار آن بودند که مرکز ملی فرش پشتیبان محققین باشند و همه دست اندکاران فرش، دانشجویان را همراهی کنند و هم اینکه از دانشجویان بخواهیم که براساسی تحقیقات درستی انجام دهند نه اینکه فقط تحقیقاتی بر روی کاغذ انجام دهند و از دست نوشته های دیگران استفاده کنند و نمره ای بگیرند و تمام ایشان خواستار ارزش گذاردن به تحقیقات و فرش ایران بودند









سخنران دیگر جناب آقای بیژن اربابی بودند که ایشان هم بسیار از زحمات این عزیزان قدردانی کردند. و در ضمن خواستار این بودند که فرش ایران باید همواره در یک گروه هیئت امنایی اداره شود تا بتواند از بین جامعه فرش برای فرش کاری مشورتی و عملی صورت داد

جناب آقای عبدالمجید شریف زاده سخنرانی بسیار شیوایی در راستای فرش ایران و در احترام به این عزیزان ایراد فرمودند ایشان گفتند در سال‌های اخیر مباحث علمی در فرش اهمیت بیشتری پیدا کرده و اگر فعالیت‌هایی که در عرصه فرهنگ، تاریخ و هنر ایران صورت می‌گیرد از طریق علمی مورد نقد و بررسی و تحلیل قرار نگیرد به خوبی استمرار پیدا نخواهد کرد و مرکز ملی و میراث فرهنگی به همین دلیل تصمیم گرفتند که از سه نفر پیشکسوت، محقق و پژوهشگر فرش سنتی تحلیل بعمل آورند. ایشان افزودند که خانم شیرین صوراسرافیل یکی از پیشکسوتانی هستند که بیش از ده جلد کتاب در حوزه‌های مختلف برای معرفی فرش ایران چاپ کرده اند که برای همه پژوهشگران و دانشجویان قابل بهره برداری است و اضافه کردند که استاد محسن محسنی نیز یکی دیگر از پیشکسوتانی است که مباحث علمی را وارد هنر فرش کرده است و استاد احمد دانشگر نیز تدوین کننده دایره المعارف فرش ایران است که بیش از ۲۰ سال در مناطق مختلف کشور با تحقیق و پژوهش اصطلاحات فرش را جمع آوری کرد و در ۴ جلد کتاب آن را منتشر کردند و در اختیار دوستداران فرش قرار دادند وی افزود: قبل از اینکه ایران را با نفت بشناسند با فرش می‌شناختند و بیش از هزاران سال قبل از میلاد، فرش در ایران نام و نشانی داشته و هنرمندان بسیاری فعالیت‌های زیادی در این زمینه داشتند که بازارهای جهانی از دسترنج آن‌ها زیبا شد و نمونه‌های بسیاری از آنها در موزه‌های جهان از فرش ایران و هنرمند ایرانیان نگهداری می‌کنند





و سخنران آخر سرکار خانم فرشته دستپاک رئیس مرکز ملی فرش ایران بودند که سخنانی اینچنین بیان کردند که امسال نخستین سالی است که از مفاخر حوزه فرش یاد شده و امیدواریم در سال های آینده در این مراسم شاهد تجلیل از مفاخر بیشتری باشیم و در ادامه با اشاره به اینکه ما هیچ صنعتی نداریم که جایگزین صنعت فرش کنیم گفتند که ما بالاترین میزان اشتغال و رونق اقتصادی را به اندازه کل جغرافیای فرش دستباف داریم ایشان گفتند که مرکز فرش به دلیل نداشتن امکانات کافی پاسخگوی فعالان این حوزه نیست و از این رو علاقمند فعالیت پژوهشگران و صاحبان ایده است و در قالب ایده های نو از دانش آموختگان و پژوهشگران حمایت خواهد کرد و آمادگی خود را برای فعالیت های پژوهشی و علمی در صنعت فرش اعلام می دارد ایشان با انتقاد از اینکه هیچ مرکز ملی و سازمان بین المللی در حوزه فرش فعالیت ندارد که بتواند مطالبات صنعت و هنر فرش را در مجامع بین المللی پیگیری کند ایشان ادامه دادند که : مرکز فرش از هر ایده و طرح نو استقبال می کند رئیس مرکز ملی فرش ایران با اشاره به اینکه سازمان های مردم نهاد قوی فعال در زمینه فرش دستباف نداریم، افزود به جای اینکه برخی ایده های نو برای رفع مشکلات فرش ارائه کنند به فکر این هستند که مرکز ملی فرش دستباف به صورت هیئت امنای اداره شود در حالی که باید برای مشکلات این صنعت راه حل پیدا کنند ایشان افزودند که ۷۵ درصد کار فرش دستباف به عهده زنان است که متأسفانه نتوانستیم مطالبات آن ها را بررسی و پرداخت کنیم رئیس مرکز ملی فرش ایران گفت: فرش دستباف جایگزینی ندارد، چون توانسته علاوه بر هنر، اشتغال نیز ایجاد کند به گونه ای که بالاترین جمعیت اشتغال را فرش دارد و در هر منطقه ای از کشور فرش دستباف بافته می شود و ایشان در آخر مجدا اضافه کردند که همواره باید از این مفاخر فرش ایران قدردانی نمائیم و به همین دلیل امروز من در این مراسم از دولتیان دعوت نکردم و خواستم که این مفاخر ملی بدست مردم حمایت و مورد استقبال قرار گیرد









PANTONE®
19-4052 TCX
Classic Blue

PANTONE®
19-4052 TCX
Classic Blue

PANTONE®
19-4052 TCX
Classic Blue

PANTONE®
19-4052 TCX
Classic Blue



"آرتیرانی" هنر نفیس ایرانی
- شال و روسری ابریشمی نقاشی شده با دست (باتیک)
- کراوات های نقاشی شده
- مانتو های باتیک

Color of
the Year
2020

PANTONE®

Classic Blue
19-4052

آبی کلاسیک

رنگ سال ۲۰۲۰ نماد و نشانه چیست؟

خوبی ارتباط برقرار می کند.
پرسمن معتقد است که رنگ هر سال از طریق فرایندی طولانی و
متفکرانه انتخاب می شود که سبک زندگی و روند صنعت را تحت
تاثیر قرار می دهد
شاید جالب باشد بدانید که رنگ آبی برای سلامتی هم بسیار مفید
است. تحقیقات نشان داده که مواد غذایی آبی رنگ به دلیل مقادیر
بالای آنتوسیانین هایی که دارند خطر ابتلا به سرطان و بیماری های
قلبی و عروقی را کاهش می دهند.

انتخاب رنگ سال، برای بسیاری از شرکت های معروف رنگ به یک سنت هیجان انگیز تبدیل شده است. هنگامی که یک رنگ به عنوان رنگ سال معرفی می شود، طیف گسترده ای از طراحی تا بازاریابی برند ها را تحت تاثیر قرار می دهد. هنگام انتخاب یک رنگ به عنوان رنگ سال عوامل مختلفی مانند مد و فشن رنگ مو و رنگ لباس معماری، طراحی صنعتی و تکنولوژی در نظر گرفته می شوند. امسال با ورود به یک دهه جدید، احساس فوق العاده ای خواهیم داشت و رنگ سال می تواند چگونگی نگاه ما به این دوره از طراحی را مشخص کند.

پنتون در منتهن اعلام کرد که رنگ آبی کلاسیک را به عنوان رنگ سال ۲۰۲۰ انتخاب کرده است. این رنگ در عین سادگی بسیار زیباست و نمایانگر آسمان هنگام غروب، آب های آرام دریا است که ما را برای ورود به یک دهه جدید مطمئن و پایدار می سازد. آبی کلاسیک به عنوان یک رنگ آرام بخش شناخته می شود که آرامش را به روح انسان هدیه می کند و باعث تمرکز بیشتر او می شود. رنگ آبی کلاسیک منظم، محدود و بی حد و مرز است.

لوری پرسمن معاون موسسه رنگ پنتون در این باره می گوید: "آبی کلاسیک رنگی است که پیش بینی می کند چه اتفاقی در آینده رخ خواهد داد و آینده چه چیزی را به همراه خواهد داشت؟ این رنگ به



صورتی رنگ سال پیشنهادی کمپانی بنجامین مور

انتظار می رود در سال آینده رنگ صورتی ملایم و ملیح به فراوانی در طراحی های کمپانی بنجامین مور دیده شود. (بنجامین مور یک کمپانی تولید رنگ آمریکایی است)
آندره مگنو، مدیر بازاریابی این شرکت می گوید: رنگ ها تغییر ذهنی از مواد به سمت برآوردن نیاز های اصلی زندگی هستند.
صورتی گل رز و صورتی پاستل رنگ های خنثی و آرامش بخشی هستند که می توان آن ها را برای طراحی دکوراسیون یک اتاق نشیمن یا اتاق خواب به کار برد.



رنگ های سال پیشنهادی کمپانی والسپار

والسپار یک کمپانی رنگ است که دوازده رنگ الهام گرفته از طبیعت را به عنوان رنگ های سال ۲۰۲۰ معرفی کرده است؛ صورتی، سبز، یخی، سبز آبی کم رنگ، خاکی، خاکستری، شیری، کرم رنگ، آبی چرک، صورتی چرک، سفید مات، آبی، یاسی کم رنگ و فیلی.
سو کیم، مدیر بازاریابی والسپار معتقد است وقتی که از این رنگ ها به عنوان رنگ یک اتاق استفاده می شوند، واقعا تجربیات رنگی همه جانبه را که امروزه در زندگی به آغوش گرفته ایم، به تصویر می کشند.
سرمه ای به عنوان یکی از آرامش بخش ترین و پرکاربرد ترین سایه های رنگ آبی در نظر گرفته می شود و کمپانی رنگ شروین ویلیامز آن را به عنوان رنگ سال ۲۰۲۰ معرفی کرده است.





سبز رنگ سال پیشنهادی شرکت بهر

هفته گذشته، بهر به طور رسمی رنگ سال ۲۰۲۰ خود را سبز طبیعت معرفی کرده است. این رنگ سبز از مراتع الهام گرفته و به عنوان یک رنگ آرام بخش برای طراحی داخلی به کار برده می شود.

آبی نفتی رنگ سال پیشنهادی کمپانی PPG

آبی نفتی به عنوان رنگ سال ۲۰۲۰ کمپانی رنگ PPG معرفی شده است. مدیر بازاریابی این کمپانی معتقد است که استفاده از سایه های رنگ آبی برای طراحی دکوراسیون داخلی آرامش را القای کنند، اضطراب را کاهش می دهند و به درمان بی خوابی کمک می کنند.





سبز ملایم رنگ سال پیشنهادی
کمپانی دالاکس

رنگ سال را چه کسی
انتخاب می کند؟

رنگ‌های برتر هر فصل و رنگ منتخب سال موسسه بزرگ پنتون انتخاب و اعلام کرده و ضمن پیش‌بینی رنگ‌های محبوب جهانی، به کمپانی‌ها و کارخانه‌های برند و بزرگ پیشنهاد می‌کند تا با انتخاب این رنگ‌های برتر محصولات خود را برای بازار تقاضای جهانی آماده کنند و تولیدات و طراحی‌های خود را با این رنگ‌ها هم‌سو کنند. اینکه رنگ سال ۲۰۲۰ چه رنگی است برای بسیاری از کمپانی‌ها برند از اهمیت بالایی برخوردار است، به همین خاطر شرکت پنتون با اعلام رنگ‌های مناسب برای هر فصل و بررسی آن‌ها از نظر روانشناسی، با نظر سایر کمپانی‌ها و برندهای مطرح جهان بهترین رنگ را انتخاب می‌کند، انتخاب این رنگ بتواند بیشترین تاثیرگذاری را داشته باشد. تا برندها هم بتوانند با استفاده از احساسات پنهان شده در این رنگ‌ها برای تعیین سیاست‌های کلی محصولات خود بهره ببرند.

برند رنگ DULUX
سبز کم رنگ و ملایم را به عنوان
رنگ سال ۲۰۲۰ معرفی کرده
است و هدف خود را از
انتخاب این رنگ نزدیک
کردن همه ی ملت‌ها به
هم در دهه ی جدید
پیش رو عنوان
می کند



معرفی شرکت پنتون

شاید بهتر باشد کمی در مورد رنگ‌های اعلام شده توسط موسسه پنتون بیشتر بدانیم.

حدود بیست سال است که رنگ سال اعلام شده توسط موسسه پنتون، اکثر صنایع، محصولات و سیاست‌های تجاری سراسر جهان را تحت تأثیر خود قرار داده است. صنایعی مانند مد، لوازم منزل و حتی صنایع تولیدی بزرگ‌تر مانند بسته بندی محصولات و حتی طراحی‌های گرافیکی!

روند انتخاب رنگ سال توسط پنتون، پروسه‌ای دقیق و نیازمند مقایسه و بررسی‌های بازار روز جهانی است. هر سال با نزدیک شدن به سال جدید، متخصصین رنگ شناسی در این موسسه تمام اتفاقات، حوادث و محصولات دنیا را بررسی می‌کنند و به دنبال رنگی می‌گردند که بتواند تأثیری موثر و چشمگیر بر جهان بگذارد. این بررسی‌ها می‌تواند شامل صنعت سرگرمی‌های مختلف و تولیدات فیلم، هنر و هنرمندانی مختلف، صنعت مد و پوشاک، تمام شاخه‌های طراحی، حتی مقصدهای محبوب گردشگری و تحولات اقتصادی فرهنگی جهان باشد.

تأثیری که رنگ‌ها بر جهان می‌گذارند را دست کم نگیرید! این تأثیر می‌تواند جرقه‌ای باشد برای پیدایش تکنولوژی‌های تازه، و یا باعث ایجاد تحولی در مواد اولیه و بافت و ساختار محصولات تولیدی شود. قطعاً این رنگ تأثیری مهم بر رنگ بندی شبکه‌های مجازی و حتی مسابقات ورزشی و کنفرانس‌های مهم و بین‌المللی خواهد داشت.

رنگ انتخابی ۲۰۲۰، داستان جالبی هم دارد. حدود ۲۰ سال پیش، یعنی در آستانه سال ۲۰۰۰، رنگ منتخب سال نیلی تیره بود. رنگی اصیل که تداعی کننده هیجانی خاص برای آغاز هزاره‌ای جدید بود و احساسی تاریخی در همه ایجاد می‌کرد. تأثیر این رنگ به حدی بود که تقریباً در تمام موضوعات جهان نفوذ کرد. از مد و پوشاک گرفته تا تولیدات کارخانه‌های صنعتی به همین دلیل، دور از انتظار نبود که پنتون، در آستانه شروع دهه‌ای جدید باز هم به سراغ خانواده آبی برود. دهه‌ای که با خودش موجی از تغییرات، ترس، امید و اتفاقات جدید خواهد آورد.

“به نظر محققین، امسال از نظر احساسات غالب جهانی و آشفتنی ملت‌ها، بسیار شبیه به سال ۲۰۰۰ است. اگر اتفاقات تاریخی این دوران را بررسی کنید، حتماً به این موضوع پی خواهید برد. به همین دلیل باز هم پنتون رنگ آبی کلاسیک را انتخاب کرده است تا رنگ سال ۲۰۲۰ باشد

بدون شک شروع سال جدید، همیشه با چالش‌ها و تغییرات بزرگی همراه است. اینبار هم موسسه رنگ پنتون، با انتخاب یک رنگ هیجان انگیز دیگر برای سال پیش رو حال و هوایی تازه به این روزها بخشیده است. همانطور که متوجه شده‌اید رنگ امسال پنتون، آبی است، اما نه یک آبی معمولی، بلکه آبی خیره کننده کلاسیک!

با نگاه کردن به این نیلی خوش رنگ، هم به یاد مقاومت و وفاداری می‌افتید و هم احساس خاص کلاسیکی را تجربه می‌کنید. او ترکیبی است از گرگ و میش آسمان به هنگام غروب، آب‌های آرام دریا و یا یک ظرف پر از بلوبری‌های تازه!

معاون پنتون اعلام کرد که به عقیده موسسه پنتون، این رنگ



فرش دستباف ایرانی با رنگ سال ۲۰۲۰



به خوبی نشانگر، یک اعتماد دو طرفه، راستگویی، استواری و باور داشتن به یکدیگر است. تمام این فاکتورها در این دنیای پراسترس و پرشتاب امروزه مورد نیاز هستند.

این رنگ، برگرفته از هوای گرگ و میش آسمان است. آن را با تاریکی آسمان شب اشتباه نگیرید. آبی کلاسیک رنگی عمیق و تفکر برانگیز است. اما در عین حال خیلی عمیق و رمز آلود هم نیست که باعث سردرگمی شود.

پرسمن گفت "رنگ امسال با عواطف و اضطراب ما صحبت و آن‌ها را درگیر می‌کند. وقتی شما به غروب خورشید نگاه می‌کنید، روز هنوز تمام نشده است. پس احتمالاً فکر می‌کنید که چه اتفاقاتی در ادامه روز برای شما خواهد افتاد؟ به همین دلیل است که می‌گوییم هوای غروب، اطمینان بخش است و در عین حال شما را به فکرهای عمیق فرو نمی‌برد."

علاوه بر این، به نظر می‌رسد این رنگ مخصوص این دوره ای است که ما در آن زندگی می‌کنیم دوره ای که در جنسیت انسان‌ها در آن مطرح نیست! این رنگ هم محدود به جنسیت خاصی نیست و توسط تمام انسان‌ها با هر جنسیتی و در تمام فصل‌ها قابل استفاده است. پس همه مردم می‌توانند به راحتی در تمامی روزهای سال از آن استفاده کنند. همچنین رنگ نیلی خاص آن به وفور در طبیعت دیده می‌شود. همین طبیعی بودن و حضور این رنگ در طبیعت باعث محبوبیت بیشتر این رنگ شده است. همانطور که در سال گذشته هم رنگ مرجانی در بین دوستداران طبیعت بسیار محبوب

شده بود.
در حالی که عده ای از منتقدین باور دارند که این رنگ یک رنگ قدیمی و نوستالژیک است، موسسه پنتون اعتقاد دارد که اگرچه آبی کلاسیک ممکن است کمی خاطره انگیز باشد، اما هرگز قدیمی نیست و کاملاً امروزی و معاصر است. به عقیده آن‌ها، این رنگ هرگز قدیمی نمی‌شود و در هر دوره ای به روز و جذاب است. هدف این نیست که چیزی بی‌نظم و پر از هرج و مرج شده است. البته بودیم، فقط می‌خواهیم آن را احیا کنیم موسس پنتون گذشته کرده





Artirani
PAINTING BATIK
 artiranigroup

پایان



CARPET PLUS

دوهفته نامه اینترنتی فرش دستباف

Iranian Visual carpet Magazine